بررسی سندشناسی استفتاءنامه‌های دوره قاجار (۱۲۱۰–۱۳۴۴ق)

حسن زندیه[۱]، طلعت عطری[۲]

چکیده

به رغم اهمیتی که استفتاءنامه‌ها در تاریخ فقه و تاریخ اجتماعی داشتند، جایگاه آن‌ها در طبقه‌بندی اسناد به درستی مشخص نشده است. اغلب از استفتاءنامه به عنوان گونه‌ای از اسناد شرعی نام برده شده است و این در حالی است که استفتائات حتی به ندرت در دفاتر شرعیه ثبت می‌شدند. این گونه سند، حاوی اطلاعات مهمی از وضعیت اجتماعی، اقتصادی و حتی فکری جامعه بوده است. در دوره قاجار به دلیل تحولات در نظام حوزه و روحانیت، استفتاء نیز اهمیت زیادی یافت و اثرگذاری آن از مرزهای سرزمینی فراتر رفت. هدف این پژوهش آن است که با بررسی ساختار سندشناسی استفتاءنامه‌های فارسی دوره قاجار، جایگاه این اسناد را در طبقه‌بندی اسناد فارسی روشن سازد. اهمیت این پژوهش در معرفی و شناساندن استفتاءنامه به عنوان نوع خاصی از انواع اسناد فارسی و بیان جایگاه آن در زمینه‌های مختلف مطالعات تاریخی است. در این بررسی ۵۰ سند استفتاء موجود در سازمان اسناد ملی ایران، مرکز اسناد آستان قدس رضوی، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران و نیز منابع کتابخانه‌ای مورد بررسی قرار گرفته است. این تحقیق نشان می‌دهد که استفتاءنامه‌ها گرچه به لحاظ نظری در زمره اسناد شرعی قرار گرفته‌اند، اما ساختاری شبیه به اسناد اخوانی دارند؛ در عین حال استفتائات می‌توانند در شاخه‌های مختلف مطالعات تاریخی مورد استفاده قرار گیرند.

کلیدواژگان: تاریخ فقه، اسناد دوره قاجار، اسناد شرعی، اسناد اخوانی، استفتاء

[۱] - دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)، Zandiyehh@ut.ac.ir

[۲] کارشناس ارشد تاریخ، گرایش اسناد و مدارک آرشیوی و نسخه‌شناسی، دانشگاه تهران، talat.atri@ut.ac.ir

مقدمه

در میان اسناد آرشیوی فارسی، مواردی تحت عنوان «استفتاء» یا «استفتاءنامه» وجود دارند که تاکنون به شکل مستقل مورد پژوهش قرار نگرفته‌اند. استفتاء در لغت به معنای درخواست فتوا و در اصطلاح عبارت است از آن که مقلِّد از مجتهد جامع‌الشرایط درخواست بیان حکم شرعی نماید (فرهنگنامه اصول فقه، ۱۳۸۹؛ داعی‌الاسلام، ۱۳۶۲). بر همین اساس، استفتاءنامه به اسنادی گفته می‌شود که در آن از فقیه یا مجتهد، در زمینه‌های مختلف، پرسش شده و بیان حکم شرعی مربوط به آن پرسش خواسته شده باشد. این پرسش‌ها می‌توانند زمینه‌های مختلف مسائل دینی از احکام فردی تا مسائل ملی و مربوط به جامعه مسلمین و حتی اصول دین و مسائل اعتقادی را در بر گیرند.

جایگاه استفتاء در میان انواع اسناد تاریخی، موضوعی قابل تأمل است که تاکنون به شکل دقیق مورد بررسی قرار نگرفته است. برای شناخت جایگاه یک سند باید بتوان با شناخت دقیق دسته‌بندی انواع اسناد، تعیین کرد که هر سند به طور اخص ذیل کدام سندِ اعم قرار می‌گیرد. اسناد فارسی از گذشته توسط منشیان و نویسندگان بزرگ به صورت اسناد سلطانی، دیوانی، اخوانی و نیز اوراق سندی و اوراق صریحه طبقه‌بندی شده‌اند و سندشناسان معاصر؛ همچون جهانگیر قائم‌مقامی نیز همین دسته‌بندی را ادامه داده‌اند.

دسته‌ای از اوراق صریحه که با عنوان اسناد شرعی شناخته می‌شوند، اسنادی هستند که «*منطبق با مباحث فقهی باشند و توسط علما یا زیر نظر آن‌ها و یا توسط شخصی ذیصلاح مطابق با رسم سندنویسی همان دوره تحریر و تدوین شده باشد*» (رضایی، ۱۳۹۰: صص ع و ۳). از سوی دیگر اخوانیات یا اسناد اخوانی شامل «مکاتبات و نامه‌های دوستانه و خانوادگی بودند که در بسیاری از آن‌ها نویسنده از حقایق و خصوصیات زندگی خود و دیگران سخن گفته است» (قائم‌مقامی، ۱۳۵۰: ۴۲)

استفتاءنامه طیف وسیعی از موضوعات از احوال شخصیه تا موضوعات سیاسی و اجتماعی را در بر می‌گرفتند. از یک سو به جهت آنکه تولید و پردازش اولیه آن به دست قشرهای مختلف مردم انجام می‌شد، ساختار آن تا حد زیادی به اخوانیات نزدیک بود و از سوی دیگر سندی برآمده از احکام فقهی بود که بخش مهمی از آن یعنی پاسخ سؤال شرعی، توسط علما نوشته می‌شد.

علاوه بر مطالعه شکلی و ساختاری استفتاءنامه‌ها، مطالعه محتوایی آن نیز واجد اهمیت است. محدودیت در دسترسی عمومی به آموزه‌های دینی، جایگاه روحانیون نزد طبقات مختلف مردم در جامعه ایران عصر قاجار، نبود قوانین مدوّن و مصوّب و نیز تحوّل در جایگاه و نظام حوزه‌های علمیه در این دوره، از اصلی‌ترین علل رجوع افراد به فقها و درخواست بیان حکم شرعی بوده است.

دلیل تمرکز این پژوهش بر استفتائات دوره قاجار، رویکرد تازه به مسأله استفتاء در این عصر بود. زیرا استفتائات ناظر به احوال به شخصیه در همه دوره‌ها رایج بود. اما استفتاء در سطوح ملی و حکومتی در این دوره رشد چشمگیری یافت. در سال ۱۲۲۴ق. و در زمان جنگ‌های ایران و روس بود که میرزا بزرگ قائم‌مقام آرا و فتاوی علمای شیعه را با این مضمون که جنگ با روس جهاد است و خاقان کشورستان مجاهد در راه خدا شمرده می‌شود، جمع‌آوری کرد.

در ماجرای قرارداد تنباکو نیز، اگرچه دستخط میرزای شیرازی در آن زمان دیده نشد (کربلایی، ۱۳۸۲: ۱۳۸)، اما سخن میرزای آشتیانی درباره فتوای میرزای شیرازی و اعتماد مردم به نقل قول او، معادلات نظام سیاسی درباره آن قرارداد را بر هم زد. تا زمان انقلاب مشروطیت، اهمیت استفتاء از علما در مسائل سیاسی به حدی رسید که فتاوای پیاپی مراجع مقیم عراق بر روند انقلاب تاثیر مستقیم داشت.

این پژوهش با بررسی اسناد استفتاء در عصر قاجار و تبیین ویژگی‌های شکلی و ساختاری این اسناد، در پی آن است تا تبیین نماید که در پرتو بررسی استفتاءنامه‌ها، چه زوایایی از وضعیت اجتماعی و فرهنگی ایران عصر قاجار قابل دستیابی است.

تعریف مفاهیم

سند: سند در لغت به معنای دلیل، مدرک و نوشته‌ای است که قابل استناد باشد. از منظر کتابداری، سند به معنای اخصّ متنی است که برای ثبت رویداد ویژه‌ای در یک یا چند نسخه محدود تولید می‌شود. اینگونه سندها اغلب در آرشیوها و بایگانی‌ها نگهداری می‌شوند و جزو انتشارات عمومی محسوب نمی‌گردند (تیموری‌خانی، ۱۳۸۵: ج۲، ص ۱۰۷۴).

اسناد شرعی: اسناد برآمده از مباحث فقهی که توسط علما یا زیر نظر آن‌ها و یا توسط شخصی ذیصلاح مطابق با رسم سندنویسی همان دوره تحریر و تدوین شده باشد (رضایی: همان).

سندشناسی: سندشناسی بررسی اجزا و مصادیق و عناصر شکلی و درونی انواع سند شامل محتوا، سبک نگارش و اصطلاحات با نگاهی علمی و روشمند بوده و هدف آن آشکارسازی کاربرد اسناد است (روستایی: ۱۳۸۹، ۳).

استفتاء: طلب فتوا کردن، فتوا خواستن، کاغذی که در آن پرسش از فتوا است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج۲، ص ۲۱۷۰، داعی‌الاسلام، همان).

پیشینه پژوهش

تاکنون اثری که استفتاءنامه‌ها را به طور مستقل و با رویکرد سندشناسی بررسی کرده باشد، تألیف نشده است. نگاه به استفتاءنامه‌ها همواره یا فقهی بوده و یا تاریخی و سیاسی و از این رهگذر تنها به محتوای فتاوای معروف در زمینه‌های سیاسی پرداخته شده است. استفتاءنامه هرچند از لحاظ نظری در زمره اسناد شرعی دانسته شده است؛ اما چون در دفاتر اسناد شرعیه ثبت نمی‌شد، در مجموعه‌های منتشر شده در رابطه با این اسناد نیز، نشانی از آن نیست. در اینجا برخی آثار مرتبط با این پژوهش معرفی می‌شوند.

۱. در آمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار[۱]

نویسنده هدف خود را از نگارش این کتاب، معرفی اجمالی بخشی از اسناد فارسی ایران در دوره قاجاریه عنوان کرده است. محور اصلی این اثر، معرفی ویژگی‌های اصلی اسناد شرعی دوره قاجار بوده است. در این مجموعه البته استفتاءنامه معرفی نشده؛ اما ورقه حَکَمیه که نسبت به استفتاء نوعی سند بالادستی محسوب می‌شود، معرفی و نمونه‌ای از آن ارائه شده است.

۲. اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی[۲]

[۱] رضایی، امید، درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

[۲] حسینی اشکوری، سید صادق: اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی، مجمع ذخائر اسلامی – قم با همکاری بنیاد ریحانه الرسول – یزد، بهار ۱۳۷۸

نویسنده در این کتاب که منحصراً به معرفی اسناد شرعی کتابخانه کاظمینی اختصاص دارد، با ارائه جایگاه استفتاءنامه، چند سند استفتاء نیز آورده است. وی در مقدمه کتابش، تعریفی گسترده و عام از اسناد شرعی را ارائه کرده و منظور از اسناد شرعی را مواردی دانسته که «بر پایه شرع مطهر اسلام بنا شده و مبانی و الزامات مطرح شده در آن با ملاکات شرعی شکل گرفته است»(حسینی اشکوری: ۱۳۷۸). از این رو، وی اسنادی نظیر استفتائات را که پرسش و پاسخ دینی است، از اسناد شرعی دانسته است.

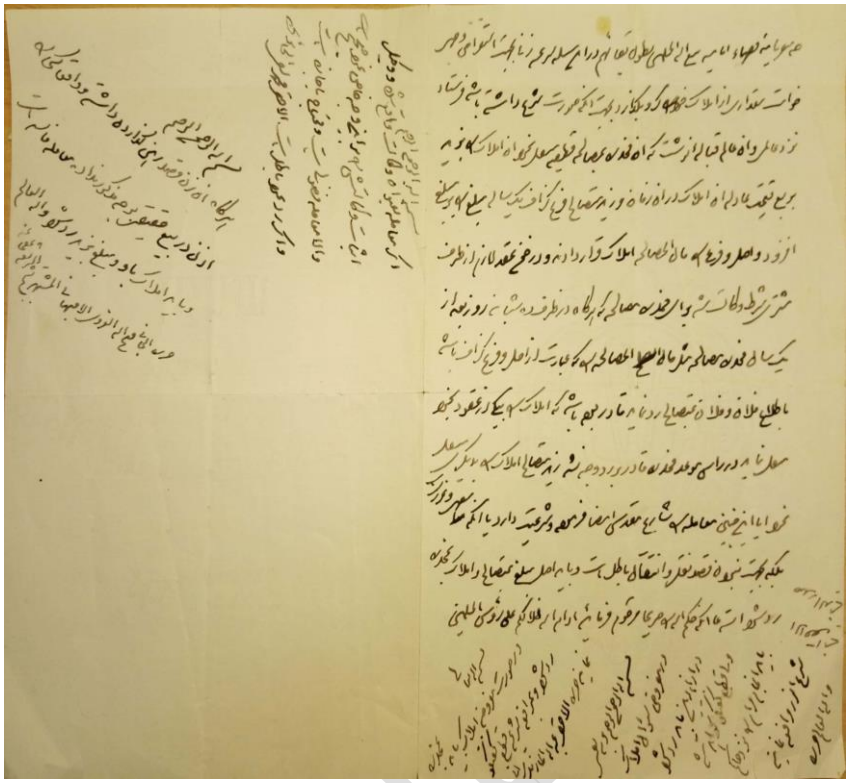
عناصر ظاهری استفتاءنامه

نخستین نکته‌ای که سندشناسان در مواجهه با سند به آن توجه می‌کنند، عناصر ظاهری سند است که اغلب از آن‌ها با عنوان اضافات سند یاد می‌شود. مواردی همچون مهر، خط، کاغذ و تاریخ تحریر اگرچه جزو متن نیستند، اطلاعات مهمی از دوره تاریخی سند، گرایش‌های هنری رایج در آن عصر، آداب و تعارفات اجتماعی و ... به دست می‌دهند.

مهر

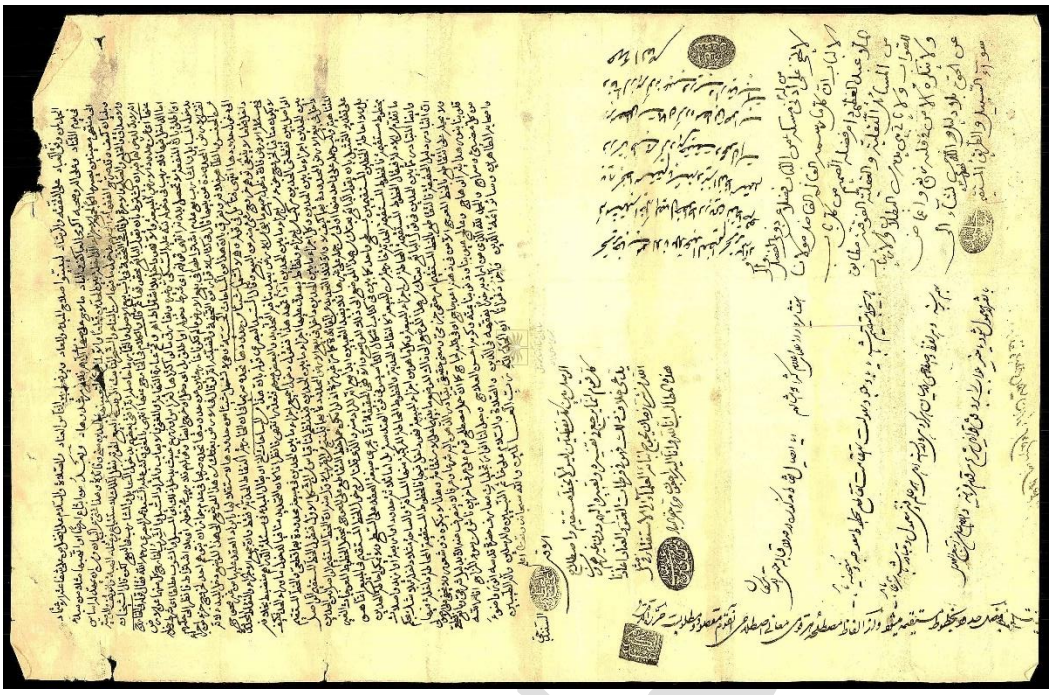
در آداب سندپردازی فارسی، مهر جایگاه و اهمیت بالایی داشته است. مهر، نشان‌دهنده اعتبار و جایگاه هر فرد بود و با بالاتر رفتن جایگاه اجتماعی فرد، مهر او نیز زیباتر و باکیفیت‌تر و بزرگ‌تر می‌شد. مهر علما درشت، اغلب حاوی سجع مهرهای زیبایی از آیات و روایات و از نظر خط و حکاکی و ترکیب‌بندی ارزشمند بود. علما با مهر زدن هم مضمون و خط خود و هم اهلیت و خط و مهر افراد شناخته شده را تایید می‌کردند (رضایی، همان، ۱۹). درباره علما، مهر به قدری اهمیت داشت که بعد از درگذشت آنان، مهر را طی مراسمی با حضور شاهدان می‌شکستند (جدی، ۱۳۹۲: ۲۶۰).

پاسخ‌های مجتهدان و علما به پرسش‌ها تقریباً همواره با مهر همراه بود؛ بلکه عموماً در انتهای هر سؤال از مجتهد درخواست می‌شد تا پاسخ را «به خاتم شریف مزیّن» فرماید تا «عندالحاجة حجت باشد». اگر سند استفتاء بدون مهر بود، بدان معنا بود که آن سند «سواد» یعنی رونوشت استفتاء است. این در حالی بود که در استفتاءنویسی، مرسوم نبود که سؤال‌کننده حتی با داشتن مقام و جایگاه اجتماعی بالا، در انتهای سؤال خود مهر بزند.



تصویر شماره ۱- سواد استفتاء از چندین نفر از علما از جمله آیت‌الله غروی اصفهانی، آیت‌الله عبدالله مازندرانی و آیت‌الله محمدتقی حائری (ساکما: ۲۲۳۲-۲۳۲)

محل مهرزنی در انتهای پاسخ مجتهد بود که بسته به شرایط می‌توانست متفاوت باشد. اگر مجتهد در بالای سند پاسخ داده بود، محل مهر نیز در انتهای پاسخ و در بالای سند بود؛ اما اگر پاسخ در سمت راست نوشته شده و یا به علت کمبود فضا، ادامه جواب به حواشی رفته بود، محل مهر نیز به همان بخش منتقل می‌شد. گاهی نیز که چند عالِم در یک مسأله روی یک ورقه نظر داده‌اند، چندین مهر در نقاط مختلف سند به چشم می‌خورد.



تصویر شماره ۲- استفتائی از علمای اهل سنت کردستان در دوره قاجار درباره دیه نفس، با پاسخ‌ها و مهرهایی در جهات مختلف کاغذ (ساکما: ۲۱۰۹۴-۲۹۶).

شکل مهر

مهر علما در این دوره غالباً به شکل بیضوی و به ندرت مربعی بود. در موارد اندکی نیز مهر طغرایی دیده می‌شود.

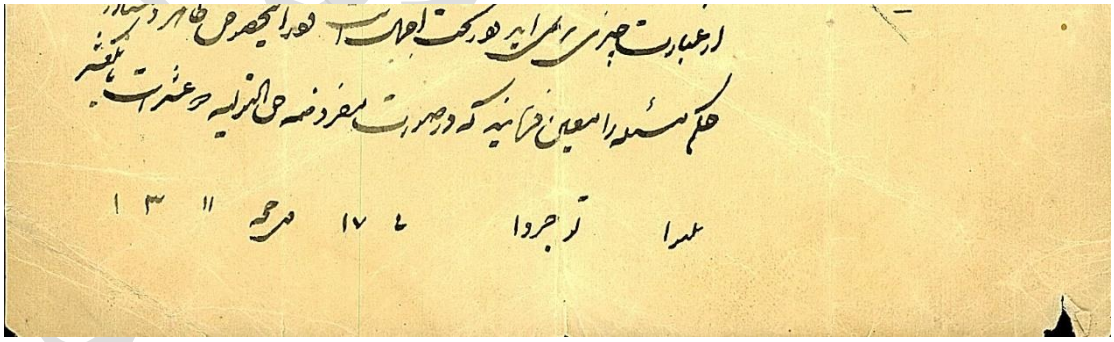
			
صاحب مهر: شیخ فضل‌الله نوری (د: ۱۳۲۷ق)	صاحب مهر: سید حسن مدرس (د: ۱۳۱۶ ش):	صاحب مهر: آیت‌الله نائینی (د: ۱۳۵۵ق):	صاحب مهر: میرزا مسیح طالقانی (د: ۱۳۲۷ق):
سجع مهر: «ذلک فضل الله یؤتیه من یشاء»	سجع مهر: «عبده حسن بن اسمعیل الطباطبائی»	سجع مهر: «عبده سید محمدحسین»	سجع مهر: «لن یستنکف المسیح ان یکون عبداً لله»

نقش و سجع مهرها

رایج‌ترین سجع مهرهای علما در این دوره آیات و اسامی متبرکه بودند و استفاده از شعر در مهر علما رایج نبود. در هیچیک از استفتاءنامه‌های بررسی شده در این پژوهش، سجع مهر شعری به کار نرفته است؛ همچنین نقش مهرهای شامل نام افراد به صورت «عبده+ نام» و «الراجی+ نام»، «عبده الراجی+ نام» نیز فراوان دیده می‌شود.

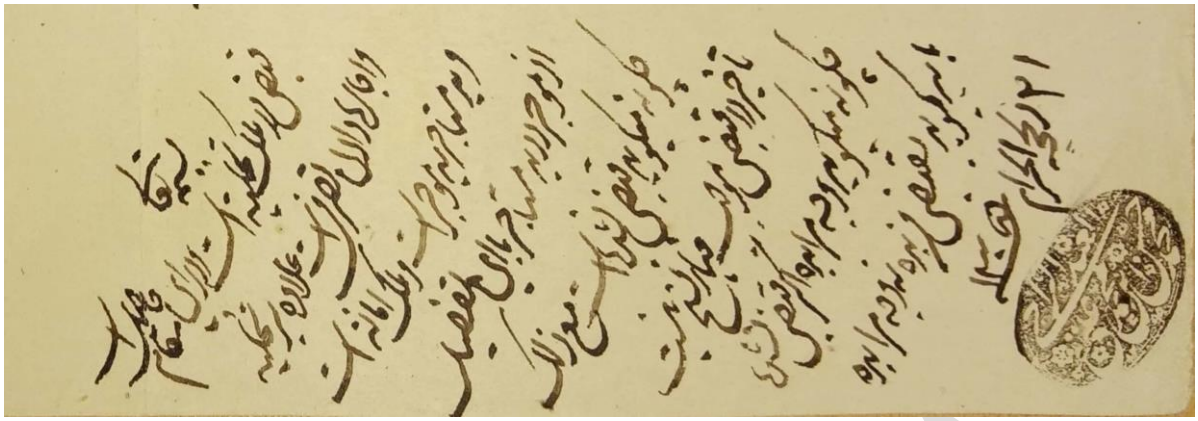
تاریخ تحریر

در استفتاءنامه‌ها درج تاریخ تحریر از سوی پرسشگر لزومی نداشت؛ زیرا تاریخ طرح یک سؤال فقهی معمولاً در پاسخ آن مؤثر نبود. از این رو، استفتاءنامهٔ شامل پرسش فقهی که دارای تاریخ تحریر باشد، کمتر دیده شده است. درج تاریخ تحریر از سوی پرسشگر، اغلب منحصر به ورقه‌های حکمیه بود که سؤال آن‌ها پیشتر در نزد مجتهد و در محاضر شرع مطرح شده بود و به نوعی جنبه قضاوت داشت. مواردی که سؤال‌کننده تاریخ تحریر را در پای ورقه درج می‌کرد، اغلب مربوط به استفتائات با موضوع مالی همچون املاک، ارث و وقف بود که درج تاریخ می‌توانست به حفظ سوابق آن مسأله کمک کند.



تصویر شماره ۳- استفتائی درباره وقف به تاریخ ۱۷ ذی‌حجه ۱۳۱۱ (ساکما: ۳۰۵۴۲-۹۹۹).

بر همین اساس، پاسخ مجتهد نیز می‌توانست دارای تاریخ تحریر باشد یا نباشد؛ اما به طور کلی اگر هریک از طرفین تاریخ را در انتهای متن می‌نوشتند، اغلب به نوشتن ماه و سال اکتفا می‌کردند و استفتائاتی که تاریخ کامل و دقیقی داشت، کمتر دیده می‌شد.



تصویر شماره ۴- استفتاءنامه به تاریخ ۲۱ ذی‌حجه الحرام سنه ۱۳۰۵ (ساکما: ۳۸۱۳۱-۹۹۹).

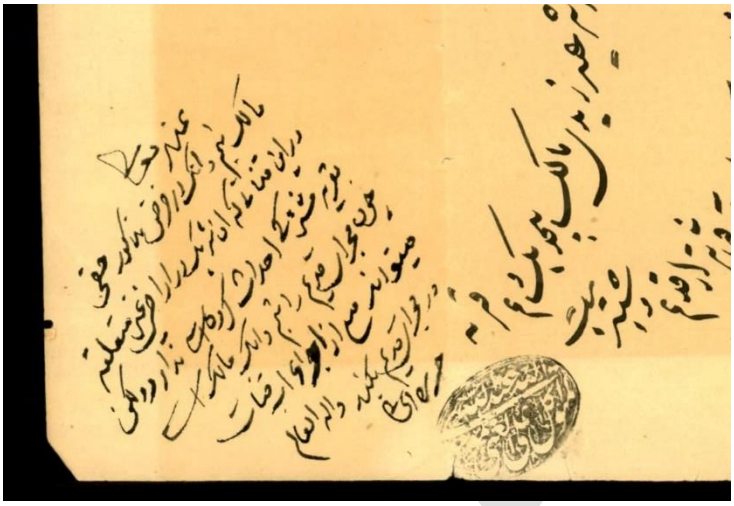
کاغذ

استفتاءنامه‌های مردم عادی و سطح پایین جامعه به شیوه عرایض، اغلب در کاغذهای بسیار معمولی که به آن‌ها کاغذ رسمی می‌گفتند، نوشته می‌شد. کاغذ رسمی در این دوره عمدتاً کاغذهای ارزان و با کیفیت پایین بود که در ایران تولید می‌شد. استفتاءنامه‌های طبقات بالاتر بیشتر در کاغذهای فرنگی به رنگ نخودی یا زرد بسیار روشن و یا آبی بود و ته‌نقش کارخانه یا مهر برجسته آن روی کاغذ دیده می‌شد. در این دوره کاغذهایی با کیفیت مناسب نیز در ایران تولید می‌شده و متناسب با مصارف مختلف به کار می‌رفته‌اند (فلور، ۱۳۹۲) که برخی از آن‌ها در استفتائات مورد بررسی این پژوهش مشاهده شده است؛ اما تشخیص دقیق نوع کاغذ در اسناد تنها با روش‌های آزمایشگاهی ممکن است که امکان آن در این پژوهش نبود.

از اواخر دوره قاجار گاهی استفتائات را بر کاغذ خط‌دار می‌نوشتند که بسیار نادر بود. جالب آنکه در این صورت اغلب به جای آنکه روی خطوط کاغذ بنویسند، عمود بر آن می‌نوشتند (تصویر شماره ۷).

تحمیدیه

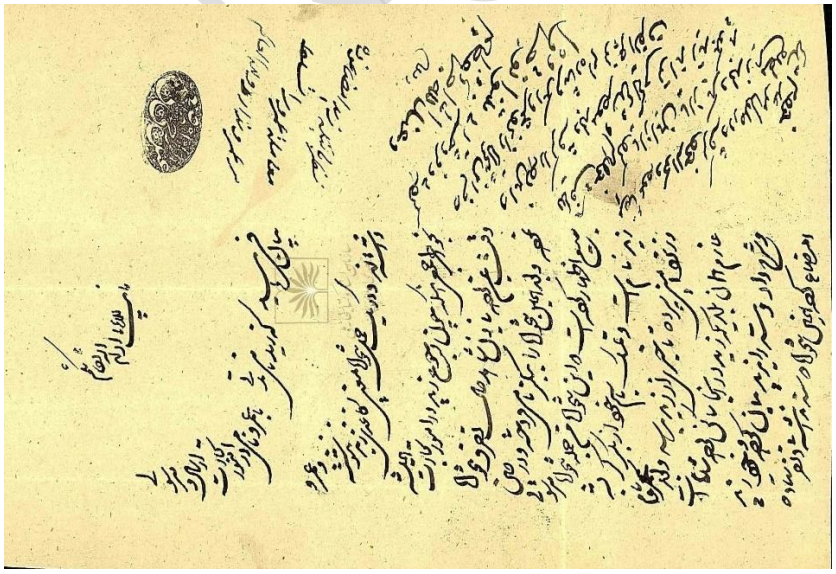
تحمیدیه در اسناد شرعی ارتباط معنایی مستقیمی با نوع سند داشت و به نوعی عنوان سند محسوب می‌شد. برای مثال تحمیدیه عقدنامه‌ها «هو المؤلف بین القلوب» و تحمیدیه مبایعه‌نامه «هو المالک بالاستحقاق» بود؛ اما در استفتاءنامه گذاشتن تحمیدیه از سوی پرسشگر رایج نبود و در صورت نگارش، تنها به نام «هو» اکتفا می‌شد. در مقابل، علما در پاسخ خود طیف متنوعی از تحمیدیه‌ها را به کار می‌گرفتند که رایج‌ترین آن‌ها عبارت بودند از «هو»، «بسم الله الرحمن الرحیم» و «بسم الله خیر الاسماء».



تصویر شماره ۵- پاسخ آقا سید عبدالله مجتهد بهبهانی با تحمیدیه «عند تعالی» (ساکما: ۲۰۱۸-۲۳۲).

در هامش

در سندپردازی ایرانی نگارش متن از میانهٔ سند در بالا آغاز می‌شد و تا انتهای کاغذ ادامه می‌یافت. به نحوی که قسمت بالا و سمت راست کاغذ همواره سفید بود. هرگاه به علت طولانی شدن متن، صفحه به اتمام می‌رسید، ناچار به سمت راست کاغذ که حاشیه‌ای پهن بود، می‌چرخیدند و نگارش را ادامه می‌دادند که به این حالت «در هامش» گفته می‌شود. در استفتاءنامه به علت نیاز به توضیح مسأله، در هامش فراوان دیده می‌شود.

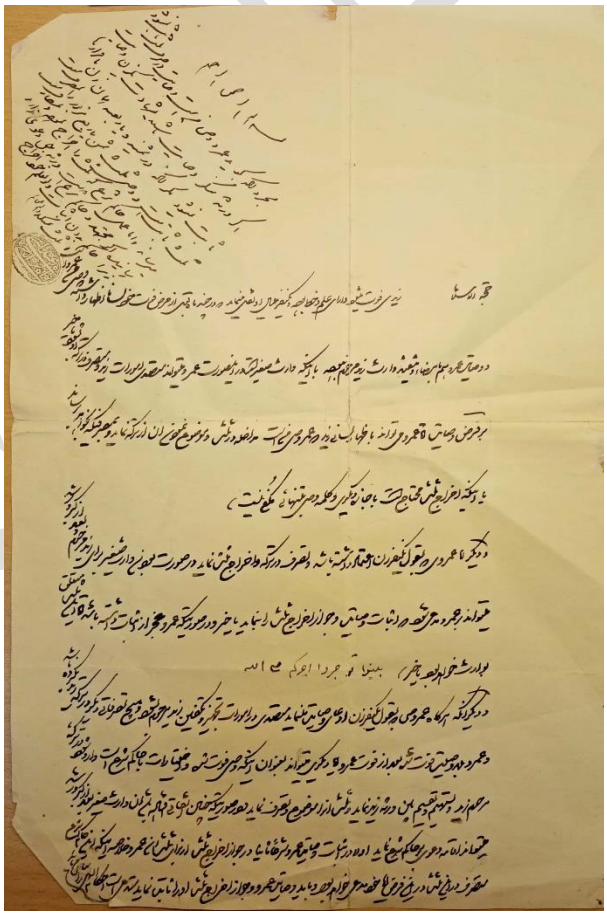


در هامش؛ ادامه دادن متن در سمت راست کاغذ

فقها تلاش می‌کردند پاسخ استفتاء را به شکل مفید و موجز بدهند. بدین سبب کمتر نیازمند استفاده از فضاهای اطراف به شکل در هامش بودند. با این حال، در جواب دادن به مسائل پیچیده دیده شده که پاسخ یک مجتهد به علت کمبود جا در چندین جهت نوشته شده است.

نحوست تربیع

در اسناد فارسی عموماً دیده می‌شود که گوشه سند اندکی چیده شده یا تا خورده و سند از حالت چهارگوش خارج شده است. این حرکت برای رفع نحوستی بود که بدان نحوست تربیع می‌گفتند (شیخ‌الحکمایی، ۱۳۸۷). باور به نحوست تربیع یا شکل چهارگوش، ریشه در باورهای کهن ایرانی داشت و پس از اسلام تا دوره معاصر نیز ادامه یافت. در استفتاءنامه‌ها نیز فراوان دیده می‌شود که کاغذ از یک یا چند جهت ناقص شده تا شکل مربع باطل شود.



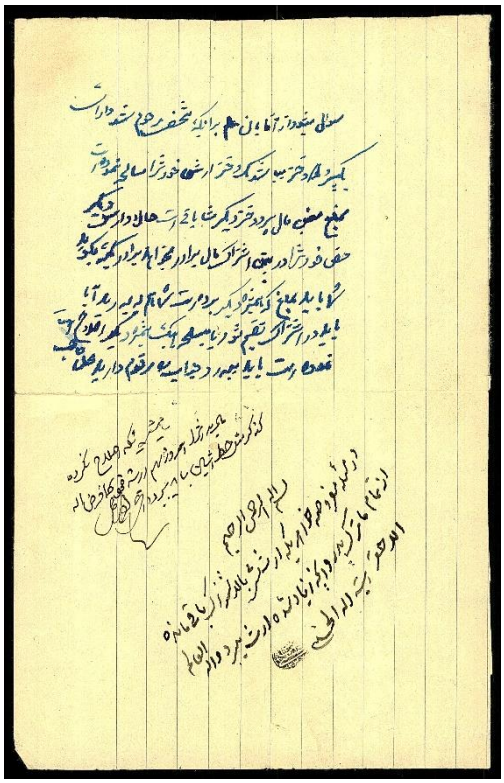
تصویر شماره ۶- سمت چپ کاغذ برای رفع نحوست تربیع از بالا و پایین بریده شده است (ساکما: ۲۵۲۳۵-۲۹۶)

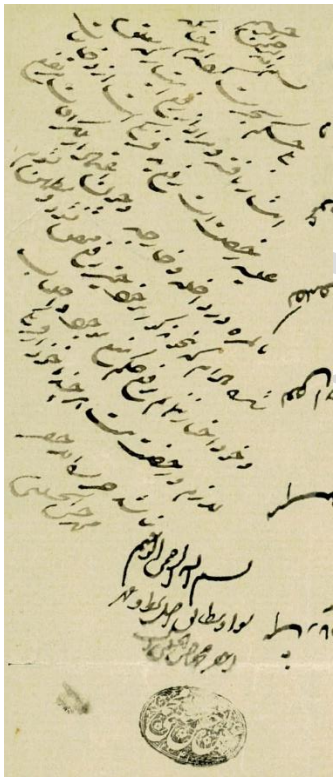
خط

خط و کاغذ در استفتاءنامه به تولیدکننده سند بستگی داشت. طبقات پایین جامعه اغلب خودشان استفتاءنامه را تنظیم می‌کردند. خط این قبیل اسناد لزوماً چندان خوش نبود و گاه حتی بدخط و بدنویس بود. افراد طبقات بالاتر یا خود خط خوبی داشتند و یا نگارش استفتاءنامه را به کاتبان می‌سپردند. از این رو؛ خط استفتاءنامه‌ها در محدوده خط مخترَع بدنویس تا خطوط تحریری نستعلیق و شکسته نستعلیق خوش متغیر بود. در مقابل، مجتهدین چون قشر تحصیلکرده محسوب می‌شدند، اغلب خطی خوش داشتند؛ خط آنان بیشتر به تحریری و تحریری شکسته گرایش داشت و اثر نستعلیق در آن‌ها دیده نمی‌شود.

مرکب

برای نگارش استفتاءنامه از مرکب مشکی که مرکب رایج بود، استفاده می‌شد؛ اما به ندرت استفتاءنامه‌های با مرکب آبی نیز دیده شده است.





تصویر شماره ۷- سمت راست استفتائی بدنویس، با مرکب آبی که به صورت عمود بر خطوط کاغذ نوشته شده است (ساکما: ۱۸۷۸۰- ۲۹۶).

تصویر شماره ۸- سمت چپ دستخط و مهر میرزای شیرازی در پاسخ به استفتاء درباره منع استعمال تنباکو (ساکما مرکز اسناد تبریز: ۱۵۱۹-۹۹۸-۹۵).

ظهریه

ظهریه‌نویسی یعنی نگارش و ثبت برخی نکات همچون ثبت دفتری، اصلاح اشکال نگارشی احتمالی و ... در پشت سند. استفتاءنامه‌ها عموماً فاقد ظهریه‌نویسی و ثبت دفتری بودند و در اسناد بررسی شده در این پژوهش نیز هیچ استفتائی که دارای ظهریه‌نویسی باشد؛ به دست نیامد.

محل قرارگیری متن

استفتاءنامه دارای دو بخش متنی است؛ پرسش و پاسخ. محل قرار گرفتن پرسش اغلب به این شکل بود که اگر فضای کاغذ به سه قسمت فرضی تقسیم می‌شد، یک سوم بالای آن خالی بود و نگارش سؤال را از میانه کاغذ شروع می‌کردند؛ جواب دادن به استفتاء «در صدر عریضه»، شاید به دلیل احترام به مقام علما، رایج‌ترین شکل نگارش آن بود و از همین رو بالای کاغذ را خالی می‌گذاشتند. حاشیه سمت راست همواره بیاضی بود و تنها در صورت کمبود جا، ادامه مطلب در هامش در سمت راست نوشته می‌شد.

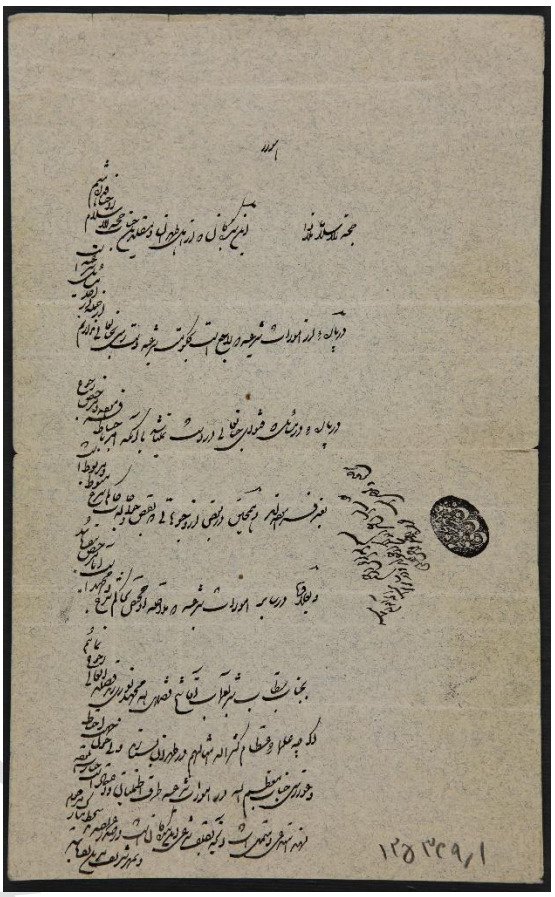
جواب استفتاء را اصولاً در بالا و یا در سمت راست می‌نوشتند؛ اما گاه چندین نفر بر یک سند پاسخ می‌نوشتند که در این صورت ممکن بود در همه جهات کاغذ حتی سمت چپ نیز جواب نوشته شود (ن.ک: تصویر شماره ۲ در همین مقاله).

فاصله سطور

در پرسش استفتاء فاصله سطرهای یک و دو و گاه حتی سطر سوم بسیار بیشتر از بقیه سطرها بود؛ به ویژه اگر کاتبان حرفه‌ای و خوش‌خط نگارش آن را بر عهده داشتند. این رسمی بود که از دیرباز در نگارش فارسی رعایت می‌شد. به علاوه در اسناد، فرض بر این بود که شاید دریافت‌کننده بخواهد در بین السطورین مطلبی بنویسد یا مهر بزند و این معمولاً در سطرهای نخستین اتفاق می‌افتاد. فاصله سطور به‌تدریج کم می‌شد تا جایی که سطرهای انتهایی گاه هیچ فاصله‌ای نداشت و کاملاً به هم چسبیده بود. انتهای هر سطر مطابق با

رسم نگارش فارسی، رو به بالا می‌رفت و بر زیبایی سند می‌افزود. با این حال؛ در عرایضی که مردم عادی به علما می‌نوشتند به علت ناآشنایی طبقات پایین با آداب سندپردازی، گاه هیچ یک از این موارد رعایت نمی‌شد.

جوابی که علما بر استفتاء می‌نوشتند، اغلب مختصر بود و از آنجا که در حاشیه کاغذ نوشته می‌شد، سطرها معمولاً به صورت نیم‌سطر بودند. بالا بردن انتهای سطور در جواب مرسوم نبود و تمرکز اصلی بر ایجاز و اختصار کلام بود.



تصویر شماره ۹- استفتاء از میرزای شیرازی درباره امور شرعیه و اجازه مراجعه به شیخ فضل الله نوری (ساکماق: ۱۲۵۳۲۹/۱). فاصله گرفتن خطوط آغازین، به هم چسبیدگی خطوط انتهایی و نیز نیم‌سطرهایی که میرزای شیرازی نوشته است در این سند به خوبی مشخص است.

ساختار استفتاءنامه

هر متن، اطلاعات و دانسته‌های فراوانی در خود نهفته دارد و مجموعه‌ای منسجم و معنادار است که عمداً تولید شده است. متن، محل شکل‌گیری فرآیندی معنایی است که می‌توان به مطالعه و درک آن پرداخت

(شعیری، ۱۳۸۸: ۳). یک متن مشخص را غالباً می‌توان با رویکردهای مختلف و از دیدگاه علوم گوناگون مورد بررسی قرار داد؛ مثلاً روی متن مطالعه جامعه‌شناختی یا تاریخی انجام داد و یا از منظر ادبی یا فقهی آن را تحلیل کرد؛ اما علمی که سند را بما هو سند و فارغ از محتوای آن مورد بررسی قرار می‌دهد، سندشناسی نام دارد. سندشناسی بررسی اجزا و مصادیق و عناصر شکلی و درونی انواع سند شامل محتوا، سبک نگارش و اصطلاحات با نگاهی علمی و روشمند بوده و هدف آن آشکارسازی کاربرد اسناد است (روستایی، ۱۳۸۹: ۳).

اگر سند را متنی بدانیم که از مجموعه‌ای از ساختارهای زبانی و عناصر تصویری تشکیل شده است، سندپردازی به معنای تولید ساختاری به هم پیوسته از واحدهای زبان است که به شکلی خاص جلوهٔ بصری می‌یابد. به این مجموعه زبانی باید مهرها، طغراها و سایر عناصر تصویری را هم افزود. اهمیت این ترکیب و شکل دیداری آن در معنا بخشیدن و اصالت دادن به سند است. به عبارت دیگر، الفاظ و اَشکال به کار رفته در سند و محل قرارگیری آن‌ها صورتِ قراردادی دارند و فقدان یا جایگزین شدن آن‌ها می‌تواند معنای سند را تغییر داده یا اصالت آن را مورد تردید قرار دهد.

زبان استفتاء

زبان استفتاءنامه شامل ادبیات دینی و اسلامی است؛ به این معنا که درک استفتاءنامه‌ها نیازمند دانستن مفاهیم و اصطلاحات فقهی است. از آنجا که فقه و حقوق اسلامی از آغاز با هم درآمیخته بود، می‌توان این زبان را نوعی زبان فقهی- حقوقی نامید. در اینجا برای بررسی دقیق‌تر، نمونه‌ای از متون استفتاء ارائه شده است.

«*علمای امامیّه و فقهای اثنا عشریه شکر الله سعیهم چه می‌فرمایند درین مسئله شرعیّه که غیر مجتهد می‌تواند مرافعه شرعیّه بکند به‌طور حکم یا نمی‌تواند که حکم بکند و قاضی در حکم باشد و رفتن مدعی و مدعی‌علیه و شهود و گذرانیدن در پیش او آیا معصیت دارد یا خیر و بعد از آنکه رفته و غیر مجتهدی حکم کرد آیا این حکم ممضی است یا خیر هرچند آن حاکم غیرمجتهد امام جمعه باشد هر وقت مدعی بخواهد*

این حکم را بهم بزند، می‌تواند بهم بزند و برود نزد مجتهد یا نه ... حکم مسئله را بیان فرمایید. اجرکم عندالله» (ساکما: ۲۶۸۳-۲۱۰).

نخستین ویژگی خاص استفتاءنامه‌ها استفاده از واژگان عربی دخیل است. کلمات و عباراتی همچون «شکر الله سعیهم»، «علمای امامیّه»، «فقهای اثنی‌عشریّه»، «مسئله شرعیّه»، «مرافعه شرعیّه» و «ممضی» از عبارات عربی هستند که در متن بالا به کار رفته‌اند. این ویژگی البته مختص به استفتاءنامه نیست؛ بلکه در همه اسناد شرعی فارسی، این درآمیختگی با زبان عربی دیده می‌شود.

کلماتی همچون «مجتهد»، «غیرمجتهد»، «معصیت» و «امام جمعه» بیانگر آن است که متن، با فقه اسلامی در ارتباط است؛ همچنین، فراوانی اصطلاحات حقوقی همچون «مدعی»، «مدعی‌علیه»، «شهود»، «قاضی» و «حکم» نشان می‌دهد که استفتاءنامه بار حقوقی دارد؛ البته منظور از حقوق در اینجا قطعاً حقوق به معنای اخص امروزی آن نیست؛ بلکه منظور، جنبهٔ قانونگذارانهٔ فقه است که در دوره مورد بحث این پژوهش یعنی عصر قاجار، هنوز فقه اسلامی و قوانین شرع، بخش بزرگی از متون حقوقی جامعهٔ ایرانی را شامل می‌شد. بنابراین، برای درک معنای استفتاءنامه‌ها، آشنایی با زبان عربی و ادبیات فقهی و حقوقی کاملاً ضروری است.

جنبهٔ مهم دیگر در استفتاءنامه‌ها، ادبیات اقتصادی به ویژه در زمینه‌های حقوق مالکیت و حقوق تجارت است. از آنجا که بخش بزرگی از استفتائات دوره مورد بحث، به مسائل زمین و املاک، حقّابه و قنات، معاملات، تقسیم ارث و ... مربوط می‌شد، آشنایی با اصطلاحات و کلیات این مباحث و نیز آشنایی با واحدهای اندازه‌گیری اصلی، در درک استفتاءنامه‌ها اهمیت دارد. برای مثال در استفتای زیر آمده است:

«*عمرو در حالت حیات ملکی بیع شرط نمود و بعد متوفی شده و ازو مخلف منقول و غیرمنقول باقی مانده و ملکی که بیع شرط نموده، بیع لازم شده و وارث او منحصر است به والده و زوجه‌اش*» (ساکما ۲۰۱۹۳-۲۹۶).

در اینجا آگاهی به مفاهیمی چون بیع شرط، بیع لازم و مخلف منقول و غیرمنقول، برای بازخوانی صحیح و درک استفتاءنامه به عنوان یک سند ضروری است.

ساختار استفتاءنامه

متن هر استفتاءنامه از دو بخش اصلی تشکیل شده است؛ بخش نخست که شامل سؤال شرعی است و سند به اعتبار این سؤال تولید شده است. به عبارتی اگر سؤال و درخواست حکم و فتوایی نبود، استفتاءنامه‌ای تولید نمی‌شد. پرسش سؤالات شرعی، صورتی از عریضه به حساب می‌آمد و نگارش آن در ساختار و ظاهر از شیوه‌های عریضه‌نگاری پیروی می‌کرد؛ زیرا بنا به احترامی که به علما و صاحبان محاضر شرع گذاشته می‌شد، سؤال از علما نوعی سؤال از مقام بالاتر به حساب می‌آمد.

بخش دوم مشتمل بر پاسخ فقیه یا فقها بود که به صورت تعلیقه اغلب در بالا و در سمت راست سند نوشته شده و تلاش می‌شد اختصار و ایجاز در آن رعایت شود. در این بخش ابتدا اجزای ساختار و سپس ویژگی‌های ظاهری این اسناد با جزئیات مورد بررسی قرار گرفته است.

دیباچه

آغاز هر سند، دیباچه یا مطلع سند است که در متون فارسی از اهمیت زیادی برخوردار است. در ادب فارسی صنعتی ادبی ویژه سرآغاز سخن به کار رفته که به آن براعت استهلال گویند. بدان معنی که دیباچه و پیش‌درآمد سخن را با کلمات و مضامینی شروع کنند که با اصل مقصود تناسب داشته باشد (همایی، ۱۳۸۹:۱۹۳). این صنعت در نگارش اسناد فارسی به ویژه اسناد شرعی بسیار به کار رفته و دیباچه را تبدیل به بخش مهمی از سند کرده است؛ مثلاً در مقدمه عقدنامه‌ها روایتی در استحباب ازدواج آمده و یا در دیباچه فرامین، در باب کفایت پادشاه سخن گفته شده و با این روش، ذهن مخاطب برای دریافت مقصود اصلی گوینده، آماده شده است.

اغلب هرچه تولیدکننده سند از درجه بالاتری برخوردار بود، دیباچه اسناد شرعی تولید شده از سوی او یا در رابطه با او، مفصّل‌تر بود؛ اما در عرایض که گاه از سوی پایین‌رده‌ترین افراد جامعه نوشته می‌شد، به کار بردن عبارات پیچیده و صنایع لفظی و اظهار فضل در برابر شخص بالاتر و بزرگتر، نامرسوم و ناپسند بود. استفتاءنامه نیز شکلی از عریضه داشت و از آن دست اسناد شرعی است که دیباچه مفصّلی نداشته و واژه‌پردازی و به کارگیری صنایع ادبی در آن مرسوم نبوده است؛ بلکه عموماً نویسنده پس از خطاب و ادات

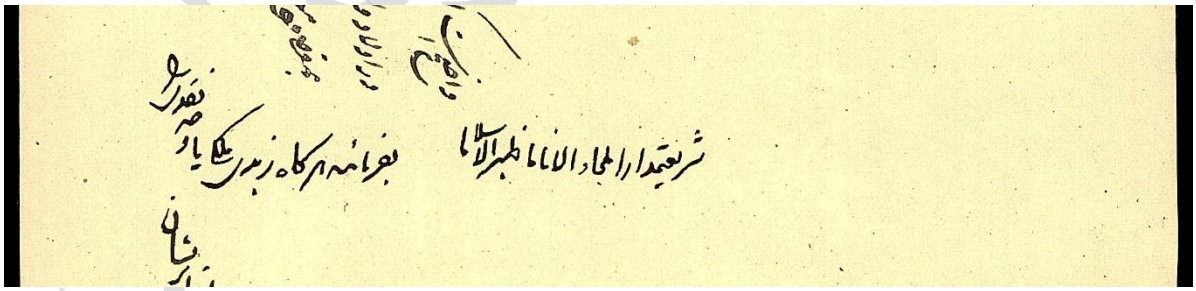
پرسش وارد متن اصلی می‌شده است. در ادامه اجزای اصلی دیباچهٔ استفتاءنامه به طور خلاصه مورد بررسی قرار گرفته است.

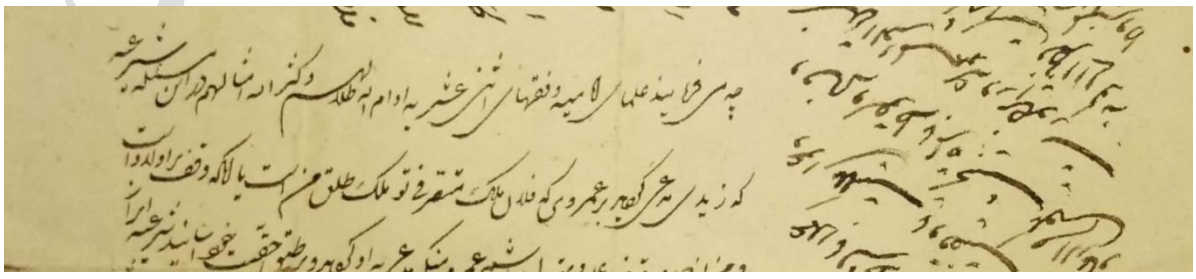
خطاب

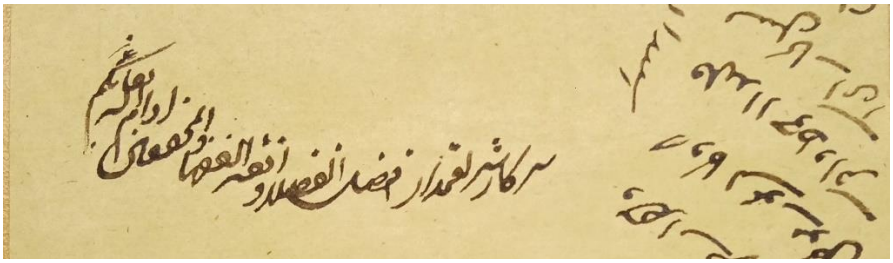
در نگارش نامه‌ها و اسناد دیوانی و اخوانی؛ آغاز سند با رکن مطلع است. رکن مطلع شامل سه بخش خطاب، القاب و دعا است. اغلب در آغاز نگارش استفتاءنامه، مجتهد یا عالِمی را که از وی سؤال شده بود، با القاب مورد خطاب قرار می‌دادند و اسم شخص در آن ذکر نمی‌شد. به بیان دیگر، خطاب و القاب در استفتاءنامه در هم آمیخته بود. رایج‌ترین القاب به کار رفته در خطاب استفتاءنامه‌ها عبارت بودند از:

«حجةالاسلاما؛ ملجأ الاناما؛ شریعت‌مدارا؛ نایب الاماما؛ قبلة الاناما؛ قبله‌گاها؛ ملاذ الاناما؛ مروّج الاحکاما؛ مروّج الاسلاما». گاهی نیز پس از بیان القاب، عبارتی دعایی در مدح عالِم ذکر می‌شد.

«متّع الله المسلمین بطول بقائکم الشریف العالی؛ ادام الله اظلالکم العالی؛ کثر الله امثالهم» از رایج‌ترین عبارات دعایی به کار رفته در خطاب بودند. به کارگیری دعا در این بخش بسیار رایج؛ اما الزامی نبود و ممکن بود دعا به بخش بعد؛ یعنی پس از عبارت پرسشی منتقل شود. مثلاً «علمای امامیّه و فقهای اثنی‌عشریّه **شکّر الله سعیهم** چه می‌فرمایند درین مسأله شرعیّه که...».

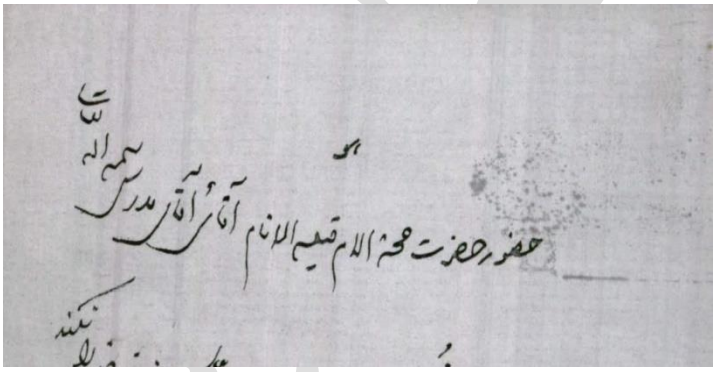






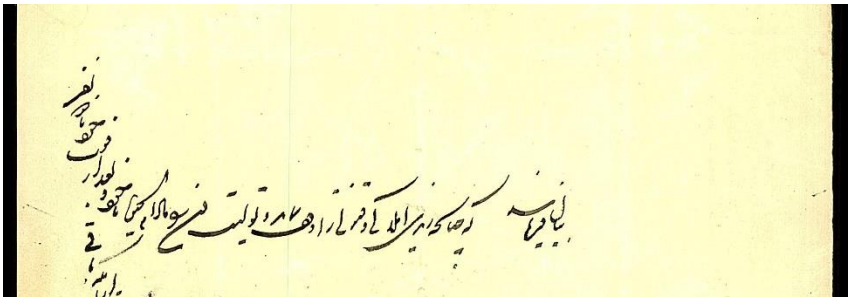
تصویر شماره ۱۰- انواع مختلفی از خطاب و القاب در استفتائات دوره قاجار - بالا (ساکما: ۳۰۵۴۶-۹۹۹) – وسط: (ساکما: ۳۰۱۶-۲۳۲) - پایین (ساکما: ۴۱۴۹۶-۹۹۹)

بتدریج و با نزدیک شدن به اواخر دوره قاجار، ظاهراً خطاب مستقیم و بیان نام افراد نیز جایی در استفتاءنامه باز کرد. در دو استفتاء از سید حسن مدرّس، به تاریخ ۱۳۲۲ ق. وی با نام مورد خطاب قرار گرفته است.



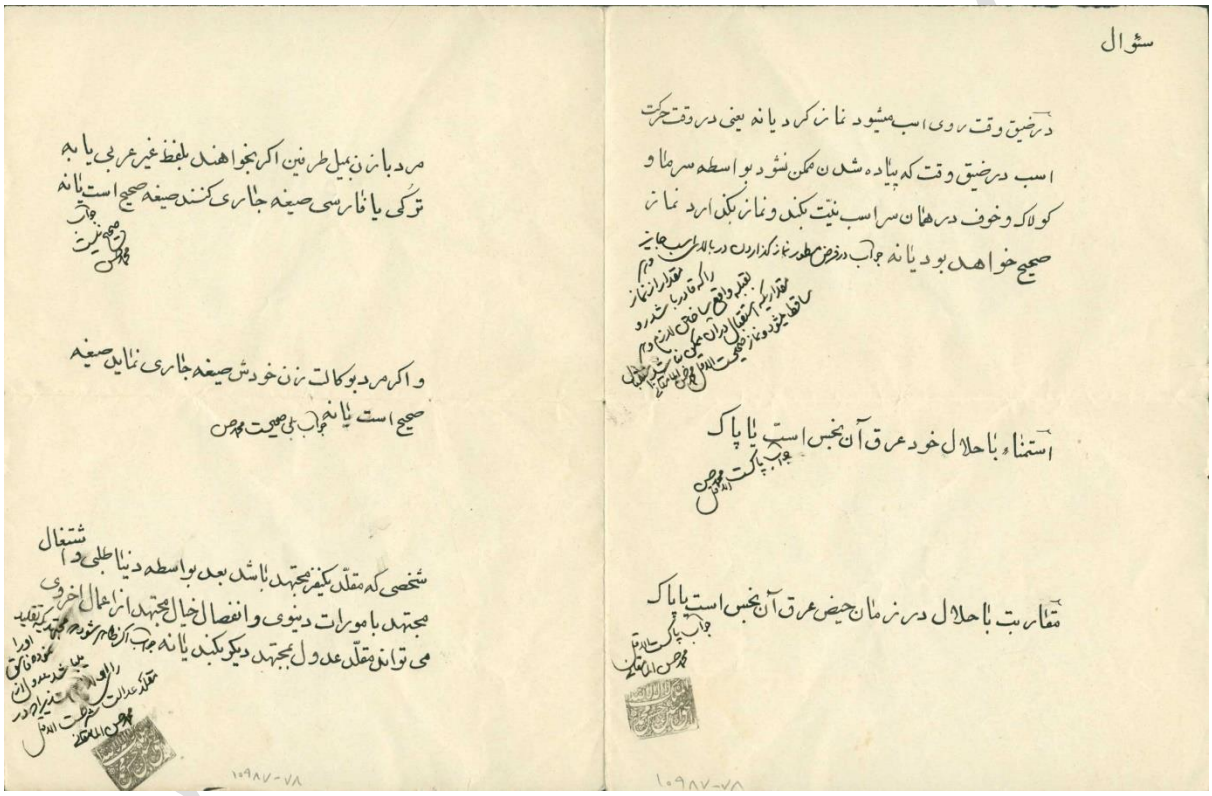
(تصویر ۱): استفتاء از سید حسن مدرس، ۱۳۲۲-(ساکما ۴۹۲-۳۶۰)

به کارگیری این عبارات بستگی به مقام معنوی مجتهد مورد نظر و نیز مقام سؤال‌کننده داشت و چنین نبود که در همه استفتاءنامه‌ها خطاب و القاب احترام، یکسان باشد. ممکن بود رکن خطاب به طور کلی حذف شده و استفتاءنامه تنها با پرسش و طرح مسأله آغاز گردد. در این صورت در ابتدای متن تنها به کلمه «مسئله» و یا «بیان فرمایید»، اکتفا می‌شد. مثلا گفته می‌شد «بیان فرمایید که چنانچه زیدی املاکی و قنواتی را وقف نماید ...».



تصویر شماره ۱۱- (ساکما: ۳۰۵۴۲-۹۹۹)

اگر استفتاءنامه شامل بیش از یک سؤال بود، خطاب و القاب و دعا حذف شده و صرفاً سؤالات پشت سر هم نوشته و با عنوان **مسئلة** از هم متمایز می‌شد.


سئوال

در ضیق وقت روی اسب میشود نماز کرد یا نه یعنی در وقت حرکت اسب در ضیق وقت که پیاده شدن ممکن نشود بواسطه سرما و کولاک و خوف دزدها آن سر اسب نیت بکند و نماز بکند ادرد نماز صحیح خواهد بود یا نه جواب

استنماء با حلال خود عرق آن نجس است یا پاک

جواب پاک است

مقاربت با حلال در زمان حیض عرق آن نجس است یا پاک

جواب پاک است

مرد با زن بیل طرفین اگر بخواهند بلفظ غیر عربی یا به ترکی یا فارسی صیغه جاری کنند صیغه صحیح است یا نه

جواب صحیح است

و اگر مرد بوکالت زن خودش صیغه جاری نماید صیغه صحیح است یا نه جواب بی صحت

شخصی که مقلد یکی مجتهد باشد بعد بواسطه دنیا طلبی و اشتغال مجتهد باموورات دنیوی و انفصال خیال مجتهد از اعمال اخروی می تواند مقلد عدول بمجتهد دیگر بکند یا نه جواب

۱۰۹۸۷-۷۸

تصویر شماره ۱۲- سند حاوی چندین سؤال شرعی با مهر مرحوم محمدحسن مامقانی- (کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران: ۱۰۹۸۷ - اسناد خاندان بنان‌السلطنه، برگ ۸۷)

در جواب استفتاء، خطاب کردن چه با نام و چه با القاب به هیچوجه رایج نبود و جواب اصولاً به صورت کلی و در پاسخ به ضمیر غایب داده می‌شد.

جمله پرسشی

بسیار مرسوم بود که پرسش استفتاءنامه با این الگو آغاز شود: «چه می‌فرمایند ... در این مسأله شرعیه که...». مثلاً «چه می‌فرمایند علمای امامیه و فقهای اثنی‌عشریه در این مسئله شرعیه که ...» و یا «حجةالاسلاما چه می‌فرمایید در این مسئله که ...». گاهی نیز طرح مسأله با عباراتی چون «به عرض می‌رساند» یا «به شرف عرض عالی می‌رساند» آغاز می‌شد.

گاهی نیز به شکل مستقیم، بیان مسأله را درخواست می‌کردند: «نایب الاماما ادام الله بقائکم؛ بیان فرمایید که ...» و یا «بیان فرمایید حافظین شریعت مطهره...».



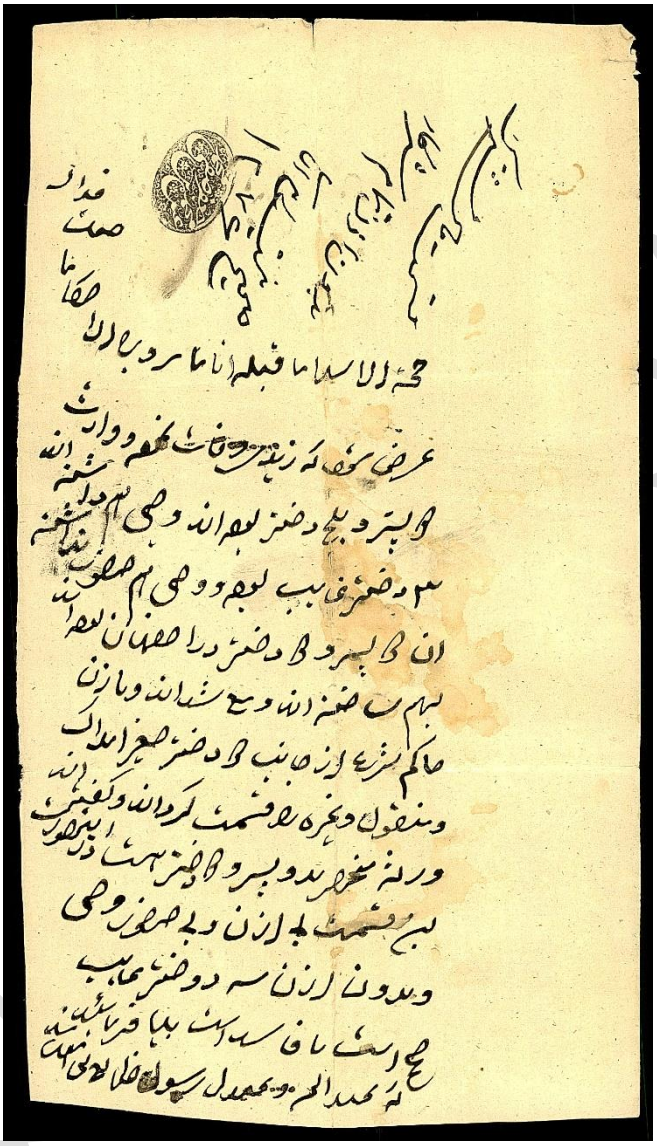
تصویر شماره ۱۳- انواع مختلف طرح پرسش در استفتاءنامه

رکن کلام (طرح مسأله)

رکن کلام یا رکن حال، اصلی‌ترین بخش هر سند است که به آن شرح موضوع نیز گفته می‌شود. در استفتاءنامه این بخش از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا پاسخ فقهی که به سؤال داده می‌شود، به بیان صحیح مسأله بستگی دارد.

از متداول‌ترین شیوه‌های طرح مسأله در استفتاءنامه، بیان آن به شکل روایتی غیرمستقیم در قالب «زید و عمرو» بود. مثلاً «زیدی ملکی بفروشد به دو نفر...» و یا «زیدی فوت می‌کند و وارث زید بعد از آن مرحوم...». به طور کلی بیان مسأله فقهی، در قالب سوم شخص صورت می‌گرفت و پرسش از زبان نگارنده و اول شخص

در استفتاءنامه رایج نبود: «شخصی مرحوم شد و دارای یک پسر و دو دختر می‌باشد...» و یا «زوجهٔ شخصی چون اولادی نداشته...».



تصویر شماره ۱۴- استفتاء از حاج محمدجعفر آباده‌ای (د: ۱۲۸۰ق) (ساکما: ۳۱۸۰۳-۹۹۹)

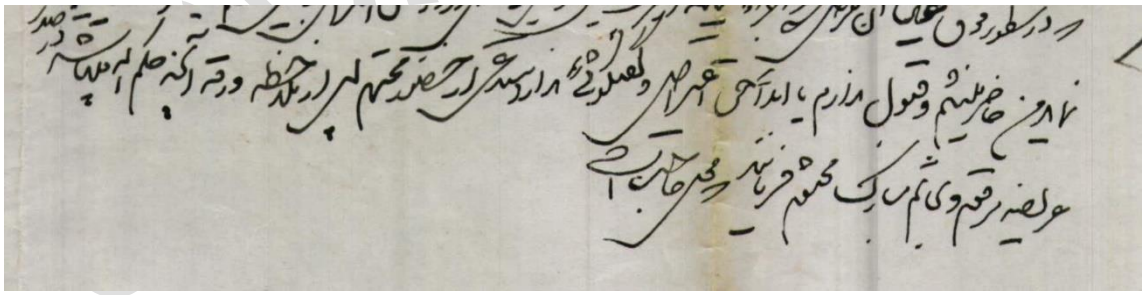
اگرچه تلاش می‌شد تا رکن کلام موجز و مختصر باشد؛ اما در برخی استفتائات همچون مسائل مالی و ادعاهای ملکی، پیچیدگی مسأله موجب طولانی شدن رکن کلام می‌شد. جواب استفتاء ممکن بود در نهایت ایجاز و در حد یک کلمه بوده یا در صورت نیاز، جوابی مفصل باشد. در تصویر شماره ۱۲ همین مقاله در جواب یکی از سؤالات، در نهایت ایجاز تنها نوشته شده «پاک است». مجتهد در صورت لزوم در پاسخ خود از

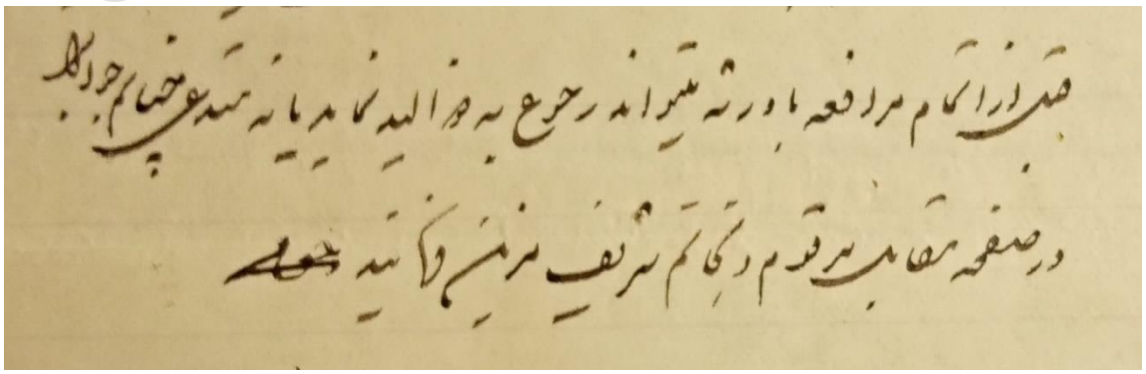
همان زید و عمرو مطروحه در سؤال استفاده می‌کرد و در هر حال، پاسخ مجتهد نیز همواره خطاب به سوم شخص غایب بیان می‌شد و به هیچ عنوان خطاب مستقیم را در بر نمی‌گرفت.

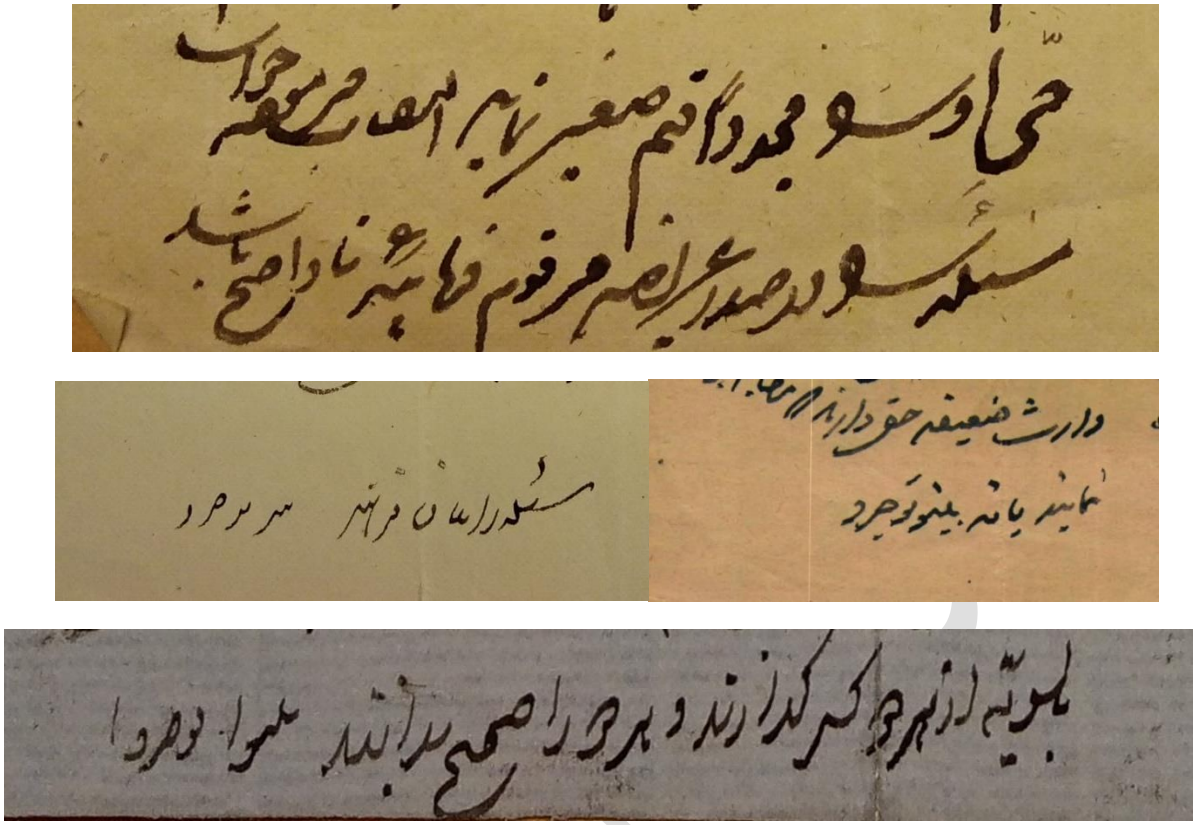
خاتمه

خاتمه یا فاتحه سند بخش پایانی آن است که همچنان در ارتباط با متن اصلی است و با نگارش آن، سند پایان می‌یابد. خاتمه در استفتاءنامه معمولاً شامل درخواست پاسخ به سؤال بود. اغلب در انتهای استفتاءنامه درخواست می‌شد که علما جواب مسأله را که از آن با عنوان عریضه یاد می‌شد، در صدر ورقه نوشته و به مهر خود ممهور دارند.

مثلاً گفته می‌شد «مستدعی از حضور محترم پس از ملاحظه ورقه آنچه حکم اله می‌باشد، در صدر عریضه مرقوم و به خاتم مبارک مختوم فرمایند که محل حاجت است»، «مستدعی چنانم جواب را در صفحه مقابل مرقوم و به خاتم شریف مزیّن فرمایند» و یا «التفات فرموده جواب مسئله را در صدر عریضه مرقوم فرمایید تا واضح باشد». پس از آن، اغلب عباراتی دعایی و قرآنی به عربی برای بستن متن و خاتمه سند نوشته می‌شد که مضمون آن توصیه به بیان حکم و یادآوری اجر آن و یا سلام و درود و سپاس بود. متداول‌ترین این عبارات «بیّنوا توجروا» بود. عباراتی چون «والسلام علیکم؛ اجرکم علی الله؛ و عندالله اجر عظیم» نیز فراوان در خاتمه استفتاءنامه‌ها به کار رفته‌اند.







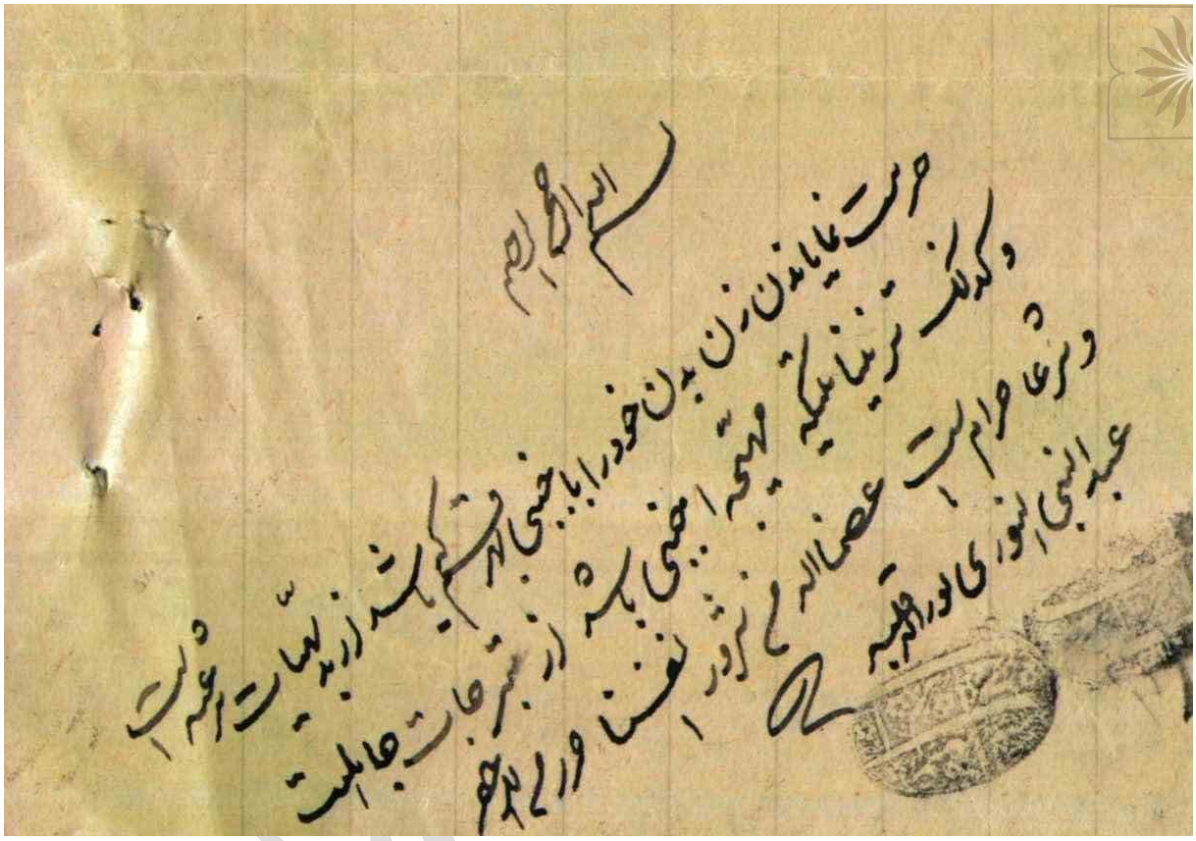
تصویر شماره ۱۵- نمونه‌هایی از خاتمه استفتاء

در بخش جواب استفتاء، خاتمه کلام اغلب با عباراتی بود که اشاره به ناکامل بودن علمِ عالِم داشت. از رایج‌ترین عباراتی که به کار می‌رفت، «و الله اعلم؛ والله العالم؛ هذا ما عندی؛ و الله العالم بحقائق احکامه» بود. گاهی نیز عباراتی در توصیه به پیروی از احکام، همچون «والسلام علی من اتّبع الهدی»، «والسلام علی تابع الشریعه» و یا دعاهایی در باب دوری از گناه نظیر «عصمنا الله من شرور انفسنا» به کار می‌رفت.



تصویر شماره ۱۶- خاتمه جواب استفتاء (سمت راست؛ ساکما: ۳۳۹۵۴-۹۹۹) (سمت چپ؛ ساکما: ۳۰۵۳۴-۹۹۹).

در انتهای جواب استفتاء اغلب عباراتی حاکی از فروتنی نوشته می‌شد که از دیرباز در سندپردازی فارسی رایج بوده است. «حرّره الداعی، حرّره الاحقر، حرّره الجانی» از متداول‌ترین موارد به کار رفته در استفتاءنامه‌ها هستند. در برخی موارد این الفاظ جایگزین اسم بودند؛ به این صورت که بلافاصله بعد از این عبارات سجع مهر مجتهد درج می‌شد. گاهی نیز دیده می‌شد که علما نام خود را همراه با مهر در انتهای پاسخ می‌نوشتند.



تصویر شماره ۱۷- استفتاء از حاج شیخ عبدالنبی نوری درباره تبرج (ساکما: ۸۲۳۰۰-۲۹۸)

محورهای محتوایی استفتاءنامه

در ۵۰ استفتاء بررسی شده در این پژوهش، بیشترین موضوعات به مسأله ارث اختصاص داشت. پس از آن مهریه و وقف بیشترین تعداد استفتائات را شامل می‌شدند. همچنین، دو عامل **زمین** و **قنات/ آب** در هر سه موضوع حضور پررنگی داشتند. به عبارتی؛ مسأله اصلی در این استفتائات بر سر **تقسیم زمین و آب، مهریه کردن زمین**، و **وقف زمین و قنات** بود. این نکته از یک سو نشانگر آن است که مسأله مبتلابه جامعه ایرانی در آن زمان چه مسائلی بوده است. از سوی دیگر، محتوای این اسناد نشان می‌دهد که دسترسی نداشتن به احکام شرعی و آرای فقهی در زمینه مسائل روزمره، آن هم در نبود قوانین مدوّن، چه مشکلاتی

را برای مردم ایجاد می‌کرد. تا جایی که در جایی مهریه از مال پدر تعیین می‌شد (سند شماره ۱ در انتهای همین مقاله) و در جای دیگر دیه نفس معادل شتر و یک تومان تصور می‌شده است (تصویر شماره ۲).

تحولات فکری عصر قاجار در استفتاءنامه‌ها

مواجهه جامعه ایران با غرب، در استفتاءنامه‌های عصر قاجار نیز بازتاب یافت. حضور سرمایه‌گذاران فرنگی (سند شماره ۲)، ورود اندیشه‌های سیاسی مختلف (سند شماره ۳)، انقلاب مشروطه، تشکیل مجلس شورای ملی و پررنگ شدن نقش محاکم عرف (سند شماره ۴)، از مواردی بودند که مورد سؤال و استفتاء قرار گرفتند. این استفتائات البته در سطح نخبگان بود ولی در شکل‌دهی فضای عمومی جامعه و نیز رشد فقه سیاسی تاثیر چشمگیری داشت.

نتیجه‌گیری

این مقاله با ساختارشناسی استفتاءنامه‌های دوره قاجار نشان داد که اولاً با توجه به تعاریف رایج، استفتائات در زمره اسناد شرعی قرار می‌گیرند؛ زیرا استفتاء با یکی از ابواب فقه یعنی باب اجتهاد و تقلید ارتباط مستقیم دارد. از نظر ساختاری، استفتاءنامه فاقد عناصر رایج اسناد شرعی همچون خطبه، بعدیه، سجلات، سوادگیری و ... بوده و بیشتر به نامه و اسناد اخوانی شباهت دارد. بر این اساس استفتاءنامه بیش از آنکه سندی شرعی باشد، سندی اخوانی با کارکرد شرعی است. هرچند استفتاءنامه در محاضر شرع تنظیم نمی‌شد، اما به دلیل همین کارکرد شرعی، یک سوی نگارش آن مستقیماً به مجتهد جامع‌الشرایط برمی‌گشت. استفتائات دوره قاجار، به طور خاص از لحاظ توجه دادن به رشد فقه سیاسی نیز حائز اهمیت هستند و بررسی آن‌ها برای مطالعه در زمینه تاریخ سیاسی دوره قاجار ضروری می‌نماید.

ضمائم

نمونه‌ای از بازخوانی یک استفتاءنامه

سند شماره ۱ (ساکما: ۱۸۳۶۷-۲۹۶)

[۱/] عرض می‌شود اوقاتی که بنده درگاه در طهران توقف داشت عالی‌جاه [۲/] میرزا عبدالغفار اخوی و میرزا محمدیوسف بنده‌زاده خورشیدخانم نامی دختر عالی‌جاه [۳/] اسمعیل خان را برای بنده‌زاده محمدصادق

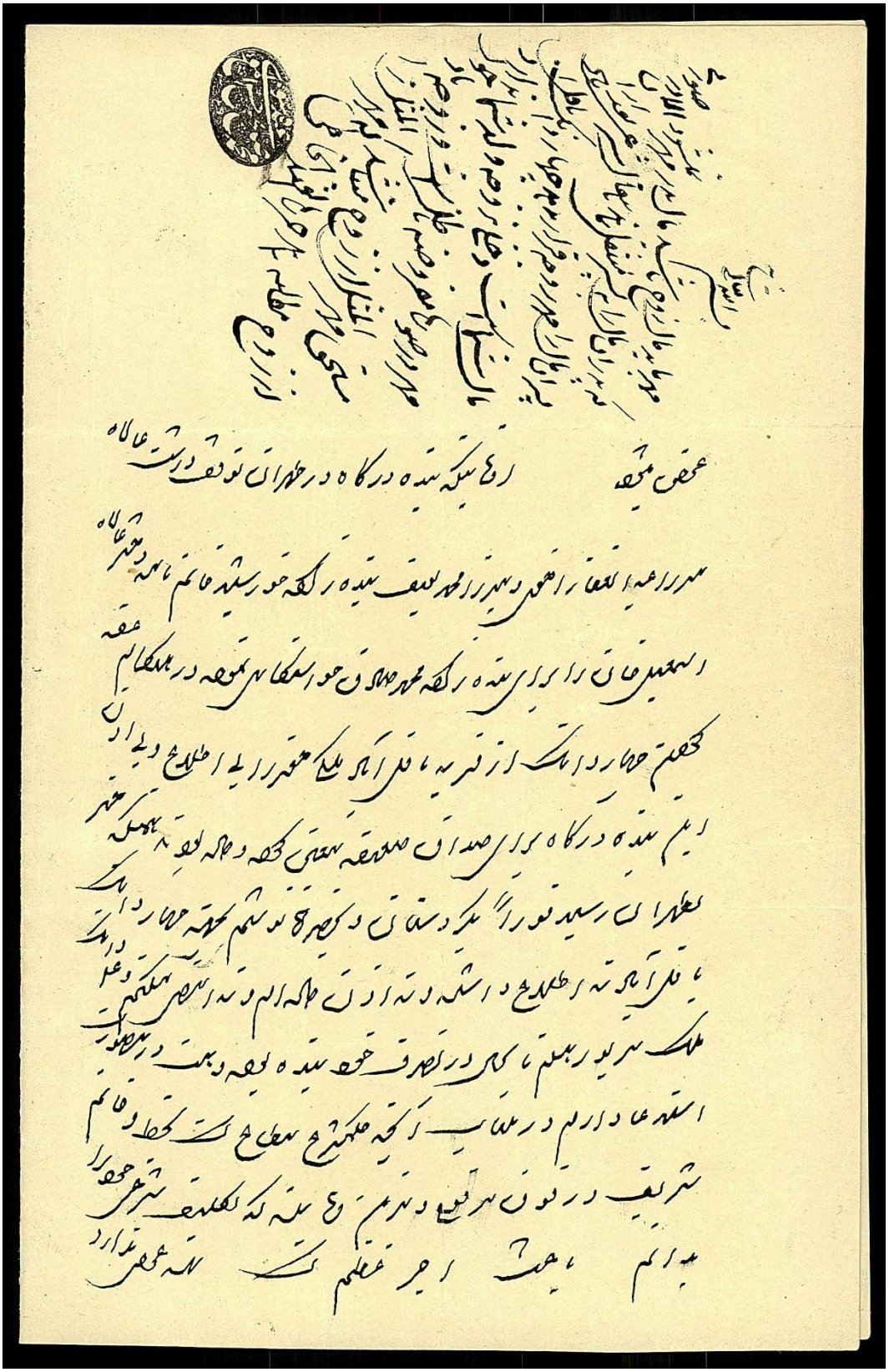
خواستگاری نموده، در هنگام عقد [۴/] کردن چهار دانگ از قریه باقل‌آباد ملکی حقیر را بی‌اطلاع و اذن [۵/] این بنده درگاه برای صداق ضعیفه معین کرده و داده بودند. همین که خبر [۶/] به طهران رسید، فوراً به کردستان و به حضرات نوشتیم به‌جهت چهار دانگ [۷/] باقل‌آباد نه اطلاع داشته و نه اذن داده‌ام و نه امضی می‌کنم و ۴ دانگ [۸/] ملک مزبور هم تا بحال در تصرف خود بنده بوده و هست. در این صورت [۹/] استدعا داریم در این باب آنچه حکم شرع مطاع است، به خط و خاتم [۱۰/] شریف در فوق مرقوم و مزین فرمایند که تکلیف شرعی خود را [۱۱/] بدانم باعث اجر عظیم است. زیاده عرضی ندارد.

بسم الله تعالی شأنه

مهر باید مال زوج باشد. مال پدر مهر نمی‌شود؛ الا در صورتی که پدر آن مال را مهر زوجه قرار بدهد. چهار دانگ باقل‌آباد مال شما است. دخلی به زوجه ولد شما ندارد. مهر در صورت مفروضه باطل است و زوجه با دخول مستحق مهرالمثل از زوج می‌باشد که مهرالمثل را از زوج مطالبه نماید. حرره العبد الخاطی (مهر: عبده محمدصالح بن حسن الموسوی)

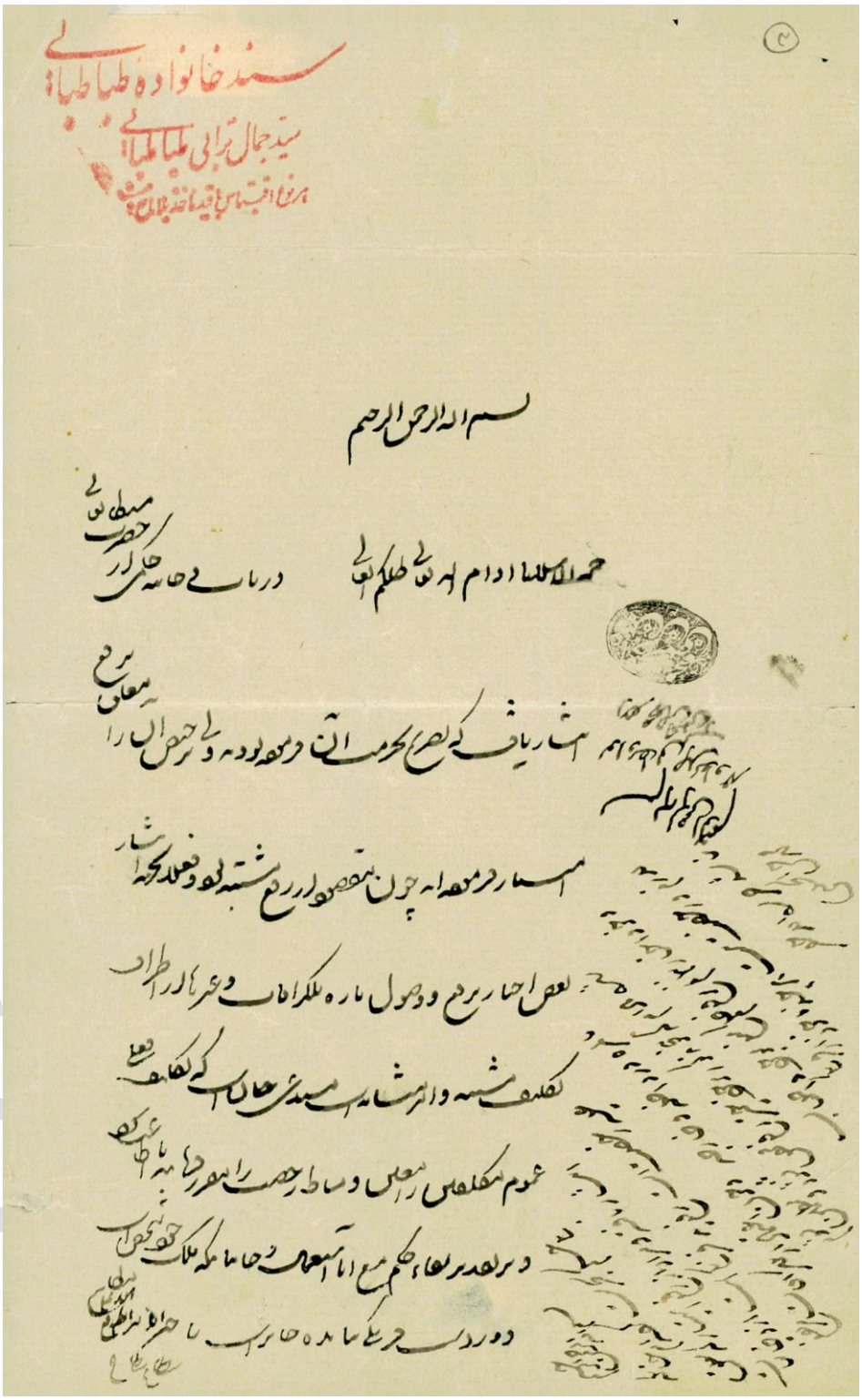
در حال ویرایش

سند شماره ۱



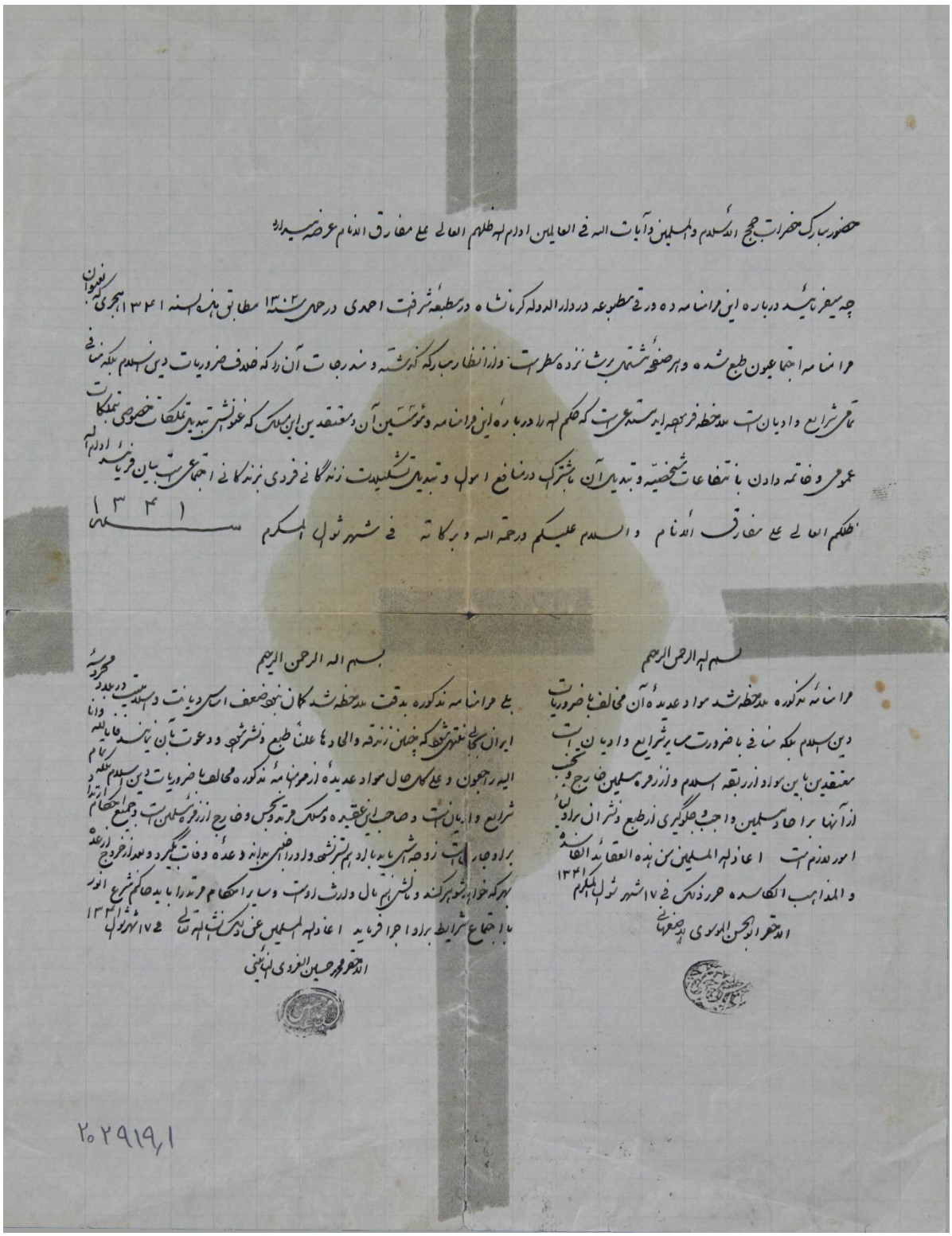
سند شماره ۲

(ساکما: ۱۵۱۹-۹۹۸-۹۵)



سند شماره ۳

(ساکماق: ۲۰۲۹۱۹/۱)



حضور مبارک مخدرات حجج الاسلام والمسلمین وآیات الله فی العالمین ادام الله ظلهم العالی علی مفارق الانام عرضه میدارد

چه میفرمائید درباره این فراسنامه ده ورقی مطبوعه در دارالدوله کرمانشاه در مطبعه شرافت احمدی در حدود سنه ۱۳۰۲ مطابق هذه السنه ۱۳۴۱ هجری که بعنوان فراسنامه اجتماعیون طبع شده و هر صفحه اش پر از نظایر مبارکه گذشته و مندرجات آن را که خلاف ضروریات دین اسلام بلکه منافی تمامی شرایع و ادیان است مدخظه فرموده اید مستدعی است که حکم آن را درباره این فراسنامه و مؤسسین آن و معتقدین این مسلک که غوغائی بپا کرده اند تا چه حد است و آیا اشتراک در تلگرافات خصوصی بتلگرافات عمومی و خاتمه دادن با انتفاعات شخصیه و تبدیل آن با شترک در منافع اصول و تبدیل رقابت بشرکت زندگانی فردی بزندگانی اجتماعی است بیان فرموده ادام الله ظلکم العالی علی مفارق الانام والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته فی شهر شوال المکرم سنه ۱۳۴۱

بسم الله الرحمن الرحیم

فراسنامه مذکوره مدخظه شد مواد عدیده آن مخالف با ضروریات دین اسلام بلکه منافی با ضرورت سایر شرایع و ادیان است معتقدین باین مواد از زمره اسلام و از زمره مسلمین خارج و تخطئه از آنها بر آحاد مسلمین واجب و جلوگیری از طبع و نشر آن بر اولیاء امور لازم است اعانه الله المسلمین من هذه العقائد الفاسده والمذاهب الکاسده حرر ذلک فی ۱۷ شهر شوال المکرم ۱۳۴۱

الداعی ابوالحسن الموسوی الزنجانی

بسم الله الرحمن الرحیم

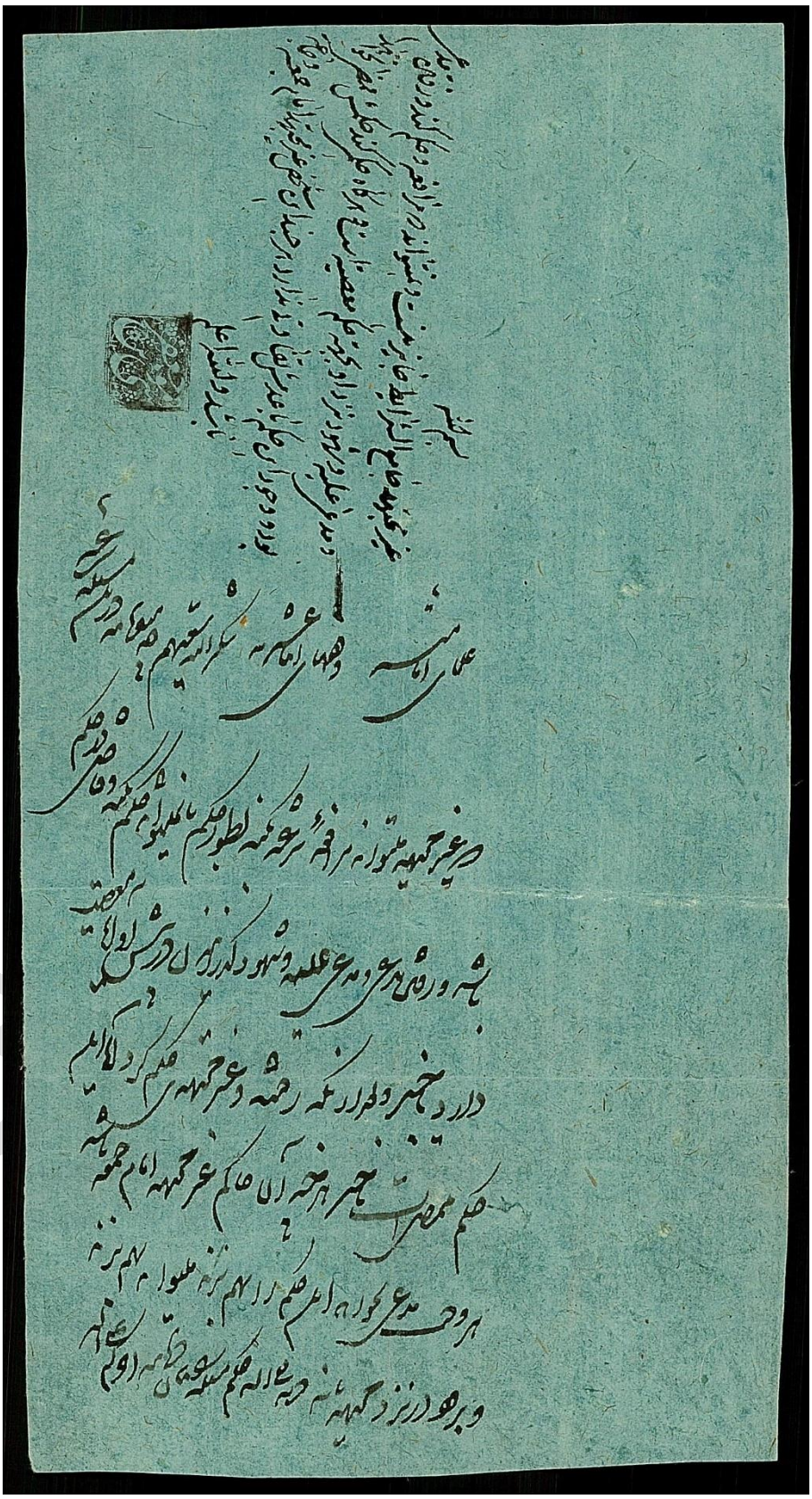
بعد فراسنامه مذکوره بدقت مدخظه شد گمان نمیشود ضعف اساس دیانت و سهلانگاری در عقاید و اعمال مذهبی که چنان زمزمه والحاد ها علنا طبع و نشر شود و دعوت بآن نمایند مانند فراسنامه ایران بگمان کسی خطور کند و بر هیچ یک از علماء اعلام رضوان الله علیهم و علی کافة حال مواد عدیده از مفاد فراسنامه مذکوره مخالف با ضروریات دین اسلام بلکه شرایع و ادیان است و صاحب این عقیده و مسلک مرتد و نجس و خارج از زمره مسلمین است و جمیع احکام برادر حاجی است زوجه اش باید با او بر سر نشود و ارث باو نرساند و عده وفات نگیرد و بعد از خروج از عده هر که خواهد شوهر کند و مالش هم مال وارث او است و سایر احکام مرتد را باید حاکم شرع انور با اجتماع شرایط بر او اجرا فرماید اعانه الله المسلمین علی دینه انشاء الله تعالی ۱۷ شهر شوال ۱۳۴۱

الداعی محمد حسین الغروی النائینی

۲۰۲۹۱۹/۱

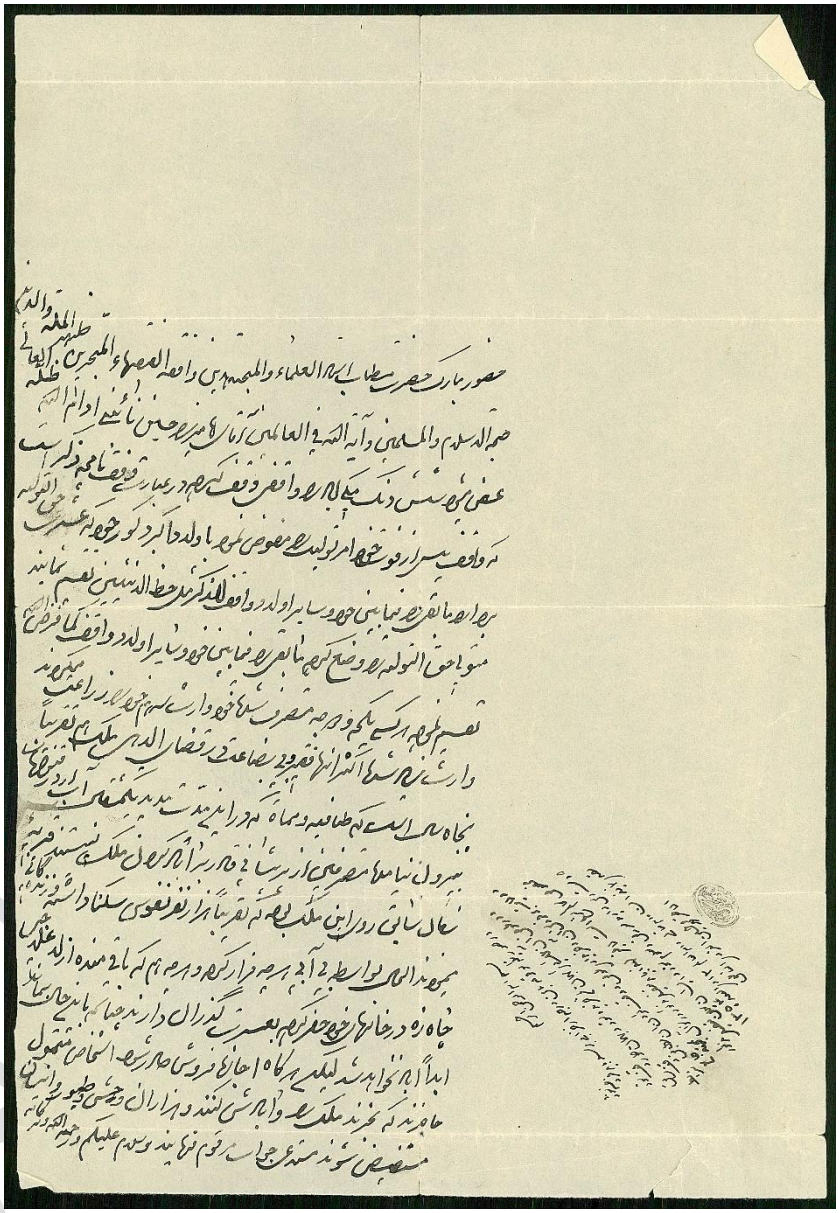
سند شماره ۴

(ساکما: ۲۶۸۳-۲۱۰)



سند شماره ۵

(ساکما: ۳۶۴۶۷-۹۹۹)



سند شماره ۶

(ساکما: ۳۰۹۶۸-۹۹۹)



منابع

۱. تیموری‌خانی، افسانه، سند در دایرةالمعارف کتابداری و اطلاع‌رسانی، تهران: سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، ۱۳۸۵.

۲. جدی، محمدجواد، دانشنامه مهر و حکاکی در ایران، تهران: فرهنگستان هنر، ۱۳۹۲.

۳. کربلایی، حسن، *تاریخ دخانیه*، به کوشش رسول جعفریان، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۲.

۴. حسینی اشکوری، سید صادق: *اسناد شرعی در کتابخانه میرزا محمد کاظمینی*، مجمع ذخائر اسلامی – قم با همکاری بنیاد ریحانه الرسول – یزد، ۱۳۷۸.

۵. داعی الاسلام، سید محمدعلی، *فرهنگ نظام*، تهران، دانش، ۱۳۶۲.

۶. رضایی، امید، *درآمدی بر اسناد شرعی دوره قاجار*، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۹۰.

۷. روستایی، محسن، «*تعابیری از سند و سندشناسی و نقش آن در پژوهش و توصیف اسناد تاریخی*»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ۱۳۸۹، ش ۱۴۶.

ساکما (سازمان اسناد ملی ایران): ۲۲۳۲-۲۳۲- ۲۱۰۹۴-۲۹۶- ۳۰۵۴۲-۹۹۹- ۳۸۱۳۱-۹۹۹- ۲۳۲-۲۰۱۸- ۲۹۶-۲۵۲۳۵- ۱۸۷۸۰- ۲۹۶)- (۹۵-۹۹۸-۱۵۱۹)- (۲۱۰-۲۶۸۳)- (ساکما ۲۰۱۹۳-۲۹۶)-(ساکما: ۳۰۵۴۶-۹۹۹) – (ساکما: ۳۰۱۶-۲۳۲) - (ساکما: ۴۱۴۹۶-۹۹۹) -(ساکما ۴۹۲-۳۶۰)- (ساکما: ۳۰۵۴۲-۹۹۹)- (ساکما: ۳۱۸۰۳-۹۹۹)- (ساکما: ۳۳۹۵۴-۹۹۹)- (ساکما: ۳۰۵۳۴-۹۹۹)- (ساکما: ۲۹۸-۸۲۳۰۰)- (ساکما: ۱۸۳۶۷-۲۹۶).

۸. ساکماق: ۱۲۵۳۲۹/۱.

۹. شعیری، حمیدرضا، *مبانی معناشناسی نوین*، تهران: سمت، ۱۳۸۸.

۱۰. شیخ الحکمایی، عمادالدین، « *نحوست تربیع و تجلی این باور در اسناد دوره اسلامی ایران*»، نامه بهارستان، پاییز ۱۳۸۷، شماره ۱۳ و ۱۴.

۱۱. فلور، ویلم، *صنایع کهن در دوره قاجار*، ترجمه علیرضا بهارلو، تهران: پیکره، ۱۳۹۲.

۱۲. قائم‌مقامی، جهانگیر، *مقدمه‌ای بر شناخت اسناد تاریخی*، انجمن آثار ملی، تهران، ۱۳۵۰.

۱۳. کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه تهران: ۱۰۹۸۷ - اسناد خاندان بنان‌السلطنه، برگ ۸۷.

۱۴. مرکز اطلاعات و منابع اسلامی، *فرهنگ‌نامه اصول فقه*، قم: معاونت پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. ۱۳۸۹.

۱۵. همایی، جلال‌الدین، *فنون بلاغت و صناعات ادبی*، تهران: اهورا، ۱۳۸۹.

در حال ویرایش